



سیروس مددی : پرچم سه رنگ شیروخورشید، پرچم ملی-شهروندی ایران است یا پرچم نظام سلطنتی شاهنشاهی؟



اخبار روز جمعه، ۹ دی ۱۴۰۱

چکیده:

موضوع «پرچم» در میان ایرانیان - بویژه در خارج از کشور- همچنان سبب بحث ها و کشمکش‌هاست. یک علت اساسی این بحث و کشاکش و سردرگمی، آگاهی اندک از تاریخچه پرچم ایران - بویژه در دوره معاصر است. این نوشته، با اتکا به اسناد تاریخی- بویژه اسناد تاریخی دوران خود پهلوی‌ها- به اثبات این می‌کوشد که: «پرچم شیروخورشید» تا پایان نظام شاهنشاهی در ایران، همواره «پرچم دولتی» و «پرچم نظام سلطنت» بوده و از انقلاب مشروطیت به اینسو، پرچم سه رنگ دیگری به نام «بیرق ملی»-«پرچم ملی» به میدان آمده است که در آن «نشان دولتی شیروخورشید» نیست. نشان داده می‌شود که «پرچم سه رنگ بدون شیروخورشید» تا پایان سلطنت شاهنشاهی در ایران از سوی نظام سلطنتی با نام‌های گوناگون به رسمیت شناخته می‌شد و به وسعت مورد استفاده بود. بنابراین آن‌که «پرچم شیروخورشید» نظام سلطنت را بعنوان پرچم ملی ایران و ایرانیان معرفی می‌کنند، حقیقت را نمی‌گویند. چه دانسته و چه ندانسته. نوشته به این موضوعات اختصاص دارد.

برای رعایت اختصار، از تکرار بحث‌های حاشیه‌ای- بویژه پیرامون تاریخ نمادهای شیر، خورشید و ... در تاریخ ناروشن روزگاران قدیم و کهن - اجتناب شده است. برخی نکات توضیحی و تکمیلی را نیز به‌زیرنویس‌ها منتقل کردیم تا از

حجم بدنه اصلی نوشته کاسته شود.

س.م

موضوع «پرچم» که در دهه‌های گذشته یکی از موضوعات جدی مورد اختلاف در میان ایرانیان مخالف رژیم جمهوری اسلامی ایران- بویژه در خارج از کشور بود - اکنون با جنبش وسیع آزادیخواهی در ایران و برگزاری اجتماعات گسترده در خارج از کشور، بیش از پیش سبب گمراهی‌ها، بحث‌ها و درگیری‌هاست. کمتر اجتماعی و تظاهراتی می‌توان یافت که بحث «پرچم» به جدال و مشاجره نینجامد.

اختلاف در موضوع پرچم بر سر چیست؟

طرفداران سلطنت و نظام شاهنشاهی - که در دهه‌های اخیر همواره با «پرچم سه رنگ شیروخورشید» عرض وجود کرده اند، براین‌اند که همین پرچم، تنها پرچم حقیقی «ایران» است و همه ایرانیان مخالف رژیم جمهوری اسلامی ایران، باید فقط به زیر همین پرچم درآیند. آنها مخالفان این پرچم را دشمن اتحاد ایرانیان، دشمن ایران می‌دانند. آنان که غالباً تصاویر آخرین شاه سلسله پهلوی، همسر و پسر او را نیز با خود دارند، پرچم شیروخورشید را نشانه «میهن» و مخالفان آنرا «بی وطن»، «جهان وطن» و ... می‌نامند در مقابل، گروهی نیز بر این‌اند که پرچم سه رنگ شیروخورشید، پرچم و علامت مشخصه سلطنت‌خواهان و شاه‌پرستان [۱] است و پذیرش آن، رفتن زیر این پرچم، تیرته استبداد و غارت شاهان، تبلیغ اتوریته سلطنت و سلطنت‌طلبان است و بنابراین غیرممکن. طیف مخالفان- که به لحاظ مرامی هرکدام نشان خود را دارند- بر این‌اند که یگانه پرچمی که می‌توان زیر آن گرد آمد، پرچم سه رنگ - سبز سفید و سرخ - است که نه نشان «شیروخورشید» رژیم «سلطنت شاهان» در آنست و نه نشان «الله» و «الله اکبر» «سلطنت فقیهان». این بحث و کشاکش همچنان ادامه دارد و درین میان نیروی وسیعی نیز نمی‌داند که حق با کدامیک از طرفین دعواست و بعنوان ایرانی آزادیخواه با کدام پرچم همگام باید شد؟



استدلال مدافعان پرچم شیروخورشید چیست؟

طرفداران «پرچم شیروخورشید»، برای اثبات حقانیت خویش، مخالفان خود را به انکار نماد «شیروخورشید» در تاریخ ایران - بویژه در دوران پیش از سلسله پهلوی متهم می کنند و هم از اینرو، اثبات سابقه تاریخی این نمادها و موضوع تاریخچه «شیروخورشید»، سالهاست که بخش جدی از کوششهای این طیف است. آنها تاکنون صدها نوشته، مصاحبه و ویدئو در این باره منتشر کرده اند و این تلاش کماکان ادامه دارد.

و اما استناد حقوقی طرفداران پرچم شیر و خورشید به اصل پنجم متمم قانون اساسی مشروطیت است که می گوید: «الوان رسمی بیرق ایران سبز سفید سرخ با علامت شیروخورشید است». طرفداران سلطنت پهلوی، در موضوع پرچم، سخت طرفدار قانون اساسی مشروطیت اند و این که شاهان پهلوی چه میزان به به این قانون پایبند بودند، برای آنان موضوعیت ندارد.

حقیقت چیست؟

این ادعا که مخالفان «پرچم شیروخورشید» منکر وجود و سابقه تاریخی نشان «شیروخورشید» در ایران پیش از پهلوی ها هستند، حقیقت ندارد. ما درین نوشته - برای رعایت وقت و حوصله خوانندگان- به تاریخچه نماد «خورشید»، «شیر»، «شیروخورشید» و بیرق های بسیار زیاد و متنوع شاهان، شاهزادگان و امیران و حکام نخواهیم پرداخت. چه، درین باره ماتریالها و «سرنخ» های بسیاری بزبان فارسی، از جمله در کتابهای: احمد کسروی («تاریخچه شیروخورشید»، تهران ۱۳۰۹)، سعید نفیسی («درفش ایران و شیروخورشید» تهران ۱۳۲۸)، یحیی ذکا ماهنامه «هنر و مردم»، شماره های ۲۴-۲۸، سال ۱۳۴۴)، سرهنگ ستاد نصرت الله بختورناش («پرچم و بیکره شیروخورشید»، تهران ۱۳۴۵- بعدتر ویرایش دوم و کامل تر آن به نام: «تاریخ پرچم ایران از باستان تا امروز»، تهران ۱۳۸۲)، حمید نیر نوری («تاریخچه بیرق ایران و شیروخورشید»، تهران ۱۳۴۴)، ناصر انقطاع («شیروخورشید نشان سه هزار ساله»، چاپ لس آنجلس ۱۹۹۷) و دیگران می توان یافت. و نیز صدها و صدها مقاله و ویدئو درباره این موضوع در نشریات قدیمی و فعلی و نیز در سایت های اینترنتی منتشر شده است [۲]. هرچند که بخش عمده این نوشته ها از منظر ناسیونالیسم افراطی، «آریایی ستایی» و «سلطنت طلبی»، برای تأمین اهداف خاص سیاسی نوشته شده اند، ولی خواننده حقیقت جو اگر با دیدی انتقادی در آنها دقیق شود، آگاهی بسیار درباره این نمادها کسب خواهد کرد. ما در این نوشته به موضوع تفاسیر باستان ستایانه در ردیابی و تحلیل نمادها و بویژه «شیروخورشید» نیز نخواهیم پرداخت. از موضوع مصادره همه عناصر مشترک مدنیت خاور زمین و ثروت های معنوی منطقه به سود «ایرانی» ها - «آریایی» ها نیز در خواهیم گذشت. اینها همه موضوعاتی هستند که باید جداگانه به هر یک پرداخت. آنچه که مسلم است، اینست که:

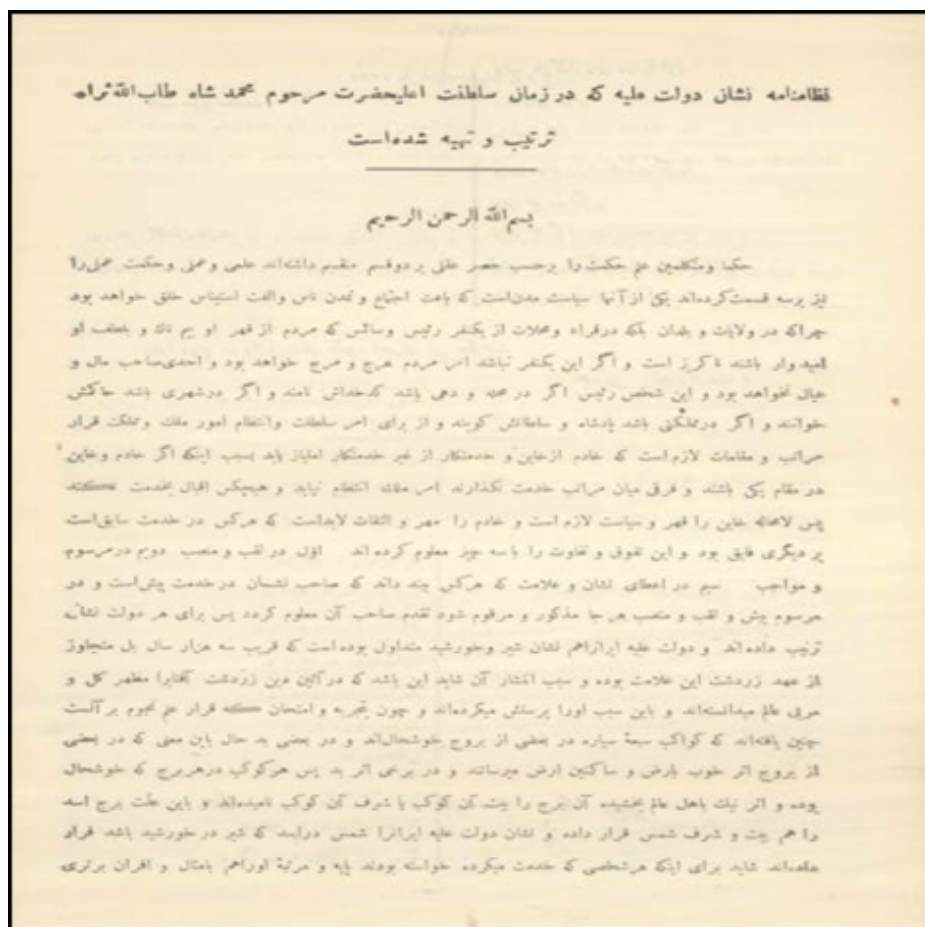
اشاره ای کوتاه به موضوع نشانها و پرچمها

در دوران های مختلف تاریخ، شاهان، خاندان های سلطنتی و اعضای این خاندانها، حاکمان، سرداران، جنگاوران نامدار، امیران، روسای قبایل و امثال آنان هر کدام از تصویر نمادی و یا نمادهایی برای نمایاندن خود - بویژه و اساسا به هنگام جنگها - استفاده نموده اند. در افسانه ها و داستان های اساطیری - از جمله در شاهنامه فردوسی - نیز چنین است [۳]. [نه تنها در ایران، بلکه در همه جا، از جمله در «مشرق زمین» [بزیانی «جامعه بزرگ شرق»]، نمادهای بسیاری از «اجرام آسمانی» (خورشید، ماه، ستاره)، درندگان (بیر، شیر، پلنگ)، پرندگان (عقاب، شاهین، کبوتر)، چرندگان (گوزن، آهو، گوسفند) خزندگان (مار و «ازدها»...)، اسلحه (شمشیر و تیر و کمان و نیزه) و غیره به عنوان سمبل قدرت و شکوه و ثروت و غیره به اشکال مختلف در نشانها و بیرق های گوناگون سلاطین و شاهان و پهلوانان نقش بسته اند. نام بسیاری از این اجزای طبیعت (خورشید شیر، ستاره، ماه، شاهین، عقاب، آهو، شمشیر و...) به تنهایی و یا همراه با نامی دیگر، نام و یا لقب آدمیان نیز شده اند [۴]. برخلاف افسانه پردازی ها ی برخی افراد، نشان خورشید و شیر مختص و منحصر به «آریایی ها» و «ایرانی ها» نیست [۵]. این پرچمها و نشانها، نه بیرق و نشان مستقیم این یا آن سرزمین و مردم و کشور، بلکه قرن های متمادی، نشان این یا آن فرمانروا و خاندان حاکم بودند و کاربرد اصلی آن پیش از هر چیز و اساسا در امور مربوط به جنگ و سپاه بود که منشا قدرت حقیقی شاهان بودند. [بی سبب نیست که از دوران قاجارها تا سقوط نظام شاهنشاهی در ایران، نظامیان همواره یک پای تصامیم درباره پرچم هستند] دیر زمانی سرزمینها و محدوده های جغرافیایی، نه به نام سرزمین، نه به نام ساکنان آن، بلکه به نام شاهان و خاندان های شاهی فرمانروا بر آن سرزمین، شناخته می شدند. «ملک» و «رعیت» با مالکان و صاحبان شان - یعنی با شاهان و سلاطین معرفی می شد. نشانها و پرچمها نیز از آن شاهان و فرمانروایان بود.

بنابراین تردیدی درین نیست که «خورشید» و «شیر» هر یک به تنهایی و یا در کنار یکدیگر، زمانی نشان و نقش پرچم این و یا آن شاه در ایران بوده اند. این یک حقیقت تاریخی انکار ناپذیر است و نگارنده این سطور به موردی برنخورده است که مخالفان پرچم شیروخورشید منکر این حقیقت باشند. بنابراین، این ادعا که «مخالفان پرچم شیروخورشید» وجود این نمادها در دوره پیش از پهلوی ها را انکار می کنند، حقیقت ندارد. این نیز نادرست است که «خورشید سوار بر شیر از دوران باستان مظهر نگاهبانی ایران زمین بوده و در طول تاریخ به عنوان آرم ایرانیان



به کار رفته است]۶». «[خورشید سوار بر شیر» بعنوان «آرم»، نه متعلق به دوران باستان، بلکه موضوع چند قرن اخیر است. این افسانه پردازی ها برای اهداف سیاسی انجام می گیرند. استفاده از این علامت از دوران شاهان صفوی باینسو، بتدریج بیشتر گشته، از دوره ای شمشیری نیز به دست شیرداده اند و «شیرخورشید با شمشیر»، از دوره ای از سلطنت قاجاریه به «آرم» و «نشان» پایدار دولتی شاهان قاجار تبدیل گشته است. در این دوره با گسترش ارتباطات گوناگون میان کشورهای، بویژه با گسترش کشتیرانی و روابط با کشورهای اروپایی، ضرورت تثبیت و انتظام «نشان» دولتی ایران پیش آمد. این، اقتضای مناسبات با کشورهای دیگر در زمینه روابط دیپلماتیک و تجارت - بویژه در کشتیرانی نظامی و بازرگانی بود. از چشم خارجیان- بویژه اروپائینی که آشنایی شان با ایران، از طریق نشان و پرچم شاهان و دولتها بود، «کشور شیر و خورشید» دیده می شد. به گفته یحیی ذکا، در دوره فتحعلی شاه سفارش تهیه نشان شیرخورشید دولت به انگلستان داده شد. و در سال ۱۲۵۳ هجری قمری (دوران شاهای محمد شاه) «نظامنامه» ۱۲ صفحه ای برای «نشان دولت علیه» نوشتند. تصویر صفحه اول این نظامنامه را می آوریم:

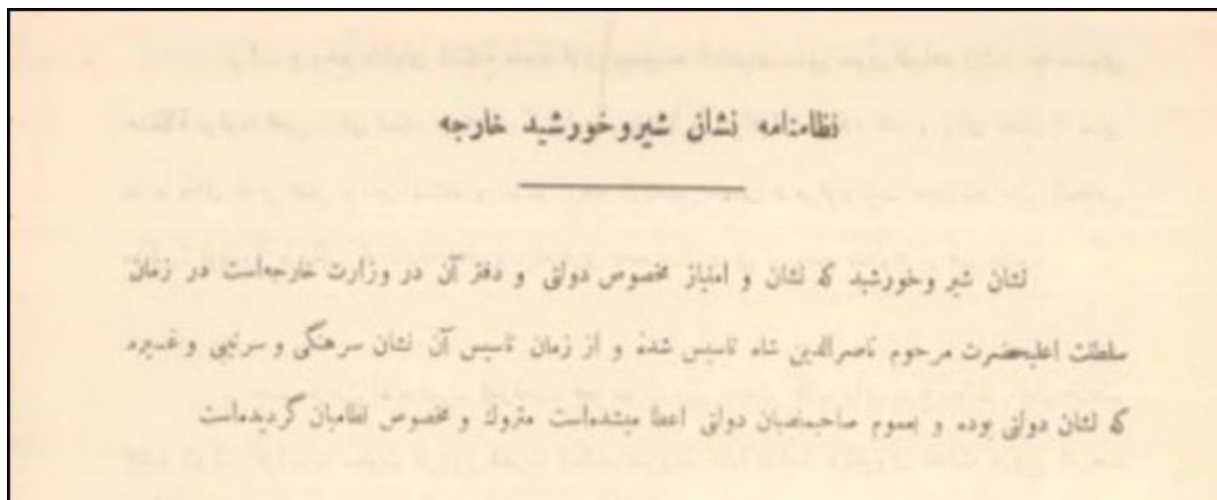


در این نظامنامه تصریح شد که نشان دولت ایران «شیرخورشید» است. درباره دولتی بودن این نشان اسناد بسیاری از دوران قاجار موجود است که نیازی به ذکر آنها نمی بینیم. شیرخورشید علاوه بر کاربردهای دیگر، نقش پرچم دولت قاجار نیز بود. درباره شکل شیرخورشید و شکل پرچم (سه گوش و یا چارگوش) در این دوره، نظرات متفاوتی وجود دارد که به بحث ما ارتباطی ندارند. گفته می شود که در عصر محمد شاه قاجار- پرچم، پارچه سفید سه گوش بود با شیرخورشیدی با شمشیر، بر روی آن. این پارچه بعدتر چارگوش شد. تفاوتها در شکل و شمایل شیرخورشید و شمشیر، و نوع قرار گرفتن آنها- بویژه در اوراق چاپی و نقاشی دوام یافت. شیر گاه خوشحال است و گاه ژولیده و خشمگین و گاه خمار. گاه نشسته و گاه ایستاده است. دمش نیز شکلی ثابتی ندارد. شمشیرش نیز، گاه در دست چپ و گاه در دست راست شیر است. خورشید که به شکل نیم دایره و گاه دایره است، گاه به صورت زنی زیبا و عشوهرگر، چسبیده به پشت شیر یا بر بالای آن رسم می شود. با ابروهایی کشیده که گاهی خالی بر گونه دارد. این وضع «نشان دولت»، نه فقط مختص دوران شاهان قاجار، بلکه بنوعی در دوران پهلوی ها نیز ادامه یافت. یحیی ذکا در سال ۱۳۴۴ شمسی تصاویری از شیرخورشید وزارتخانه ها و ادارات



دولتی زمان خود را آورده است که متفاوت با همدیگرند [۷]. [با تمام این تفاوتها این نشان، نشان دولت شاهنشاهی ایران است.

افضل الملک ۱۱ پرچم از دهه آخر سلطنت ناصرالدین شاه را با تصویر رنگی آنها در کتاب «کراسه المعی» آورده است. علم کاویان، بیرق فوج پیاده، توپخانه، توپچی، سوار، عزا، سواره قزاق، تعزیه، قاپوق و دو بیرق چارگوش مخصوص ابنیه و عمارات سلطنتی، بنادر، سربازخانه ها و هرچه که متعلق به سلطنت و دولت است [۸]. [هرچند که نوشتن و مصور کردن مجموعه چهار جلدی «کراسه المعی» در ۲۸۰۰ صفحه- در سال ۱۳۱۲ هجری به پایان رسیده است، ولی گفته می‌شود که تصاویر مربوط به سالها پیش اند. (احتمالا ۱۳۰۶ هجری شمسی). دستکم از دوره مظفردالدین شاه به این سو پرچم پایدار دولت قاجار پارچه چارگوش سفیدی است که حاشیه باریکی به رنگ سبز و سرخ در سه کناره آن قرار داشت و نشان شیروخورشید در میانه سفید آن. هرچند از پرچمی دیگر- با رنگهای سبز و سفید و سرخ با اندازه برابر و به همراه شیر و خورشید نیز به مناسبتهاى مختلف استفاده می‌شد. چنانکه گفتیم سده‌های طولانی و از جمله در دوران قاجار، پرچم [پرچمهای] دولتی - جز در جنگ‌ها و سفرهای شاه و آویختن بر سر عمارات و موسسات دولتی و سلطنتی و... کاربردى در جامعه نداشت [۹]. [به نوشته عباس امانت، حتی هنگام سفر ناصرالدین شاه به انگلستان، دولت این کشور نمی‌دانست که در مراسم استقبال چه پرچمی را بعنوان پرچم شاه و یا ایران برافرازد [۱۰]. [آنچه که کاربرد بیشتر داشت، نشان شاه و دولت او بود. این نشان در دوران منتهی به انقلاب مشروطیت، «شیروخورشید [با شمشیر]» است که در مهرها، سکه‌ها، فرمان‌ها، کلاه و لباس و دکمه لباس و کلاه نظامیان، اسناد دولتی، تقدیرنامه‌ها، مدال‌ها، روزنامه‌های «دولت‌علیه ایران» و... به کار می‌رفت و بر روی بیرق دولت نقش می‌شد. کسروی بخش سوم کتاب خود را به چگونگی رواج و شهرت شیروخورشید و زمان تبدیل آن به «نشان دولت» در همین سالها اختصاص داده است. از نظر او سال تقریبی تبدیل شیروخورشید به نشان رسمی دولت ایران، سال ۱۲۸۰ شمسی است [۱۱]. [ولی چنانکه دیدیم، نظامنامه دوره محمد شاه، در سال ۱۲۱۶ تنظیم شده است. ۶۲ سال پیشتر از آن. شاید کسروی نظامنامه دوره محمدشاه را ندیده و استناد او به «نظامنامه نشان شیروخورشید خارجه» است:



یعنی نزدیک به دو قرن است که شیروخورشید نشان رسمی دولتی ایران است و هرجا که بود، «نشان و امتیاز مخصوص دولتی» بود. این قاعده در باره پرچم نیز شمولیت داشت. از یازده پرچم اواخر دوره ناصرالدین شاه، غیر از علم سیاه عزا و تعزیه و کشتی‌های تجاری، همه هشت پرچم دیگر شیروخورشید دارند. زمانی مقرر شده بود که کشتی‌های «دولتی» با «پرچم شیروخورشید» تردد نمایند و کشتی‌های تجاری با «پرچم اژدها». ولی استفاده «ملت» از نشانی و پرچم موضوعیتی نداشت. «رعیت» [و بعد تر «ملت»] همچنان بخشی از دارایی شاهان بود، تا انقلاب مشروطیت ایران از راه رسید.

بخش دوم

برآمد «ملت» و ظهور «بیرق ملی»

در دوره انقلاب مشروطیت، که «رعایا»، بعنوان «ملت» به قیام علیه شاه و «دولت شاهنشاه» برخاستند، همانگونه که «قشون ملی» را در برابر «قشون دولتی» سازمان دادند و «انجمن ملی» را در مقابل نهاد «دولت» ساختند، در برابر «بیرق شیروخورشید» شاه و دولت او نیز، بیرق و یا بیرق‌های خود را برافراشتند. بیرقی بدون نقش و نشان دولتی شیروخورشید در آن و غالبا با نوشته‌هایی بر بخش سفید. در تبریز- که سنگر پیگیرترین و رادیکال ترین آزادیخواهان بود- زمانی بیرق‌های سرخ رنگ به میدان آمد [۱۲]. [همچون نشان مبارزه در راه آزادی. در جشن

در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



از نگاه دیگران m.abbeigi@yahoo.fr xalvat.info

اولین سالگرد صدور فرمان مشروطیت طاقی که آذربایجانیان در تهران بستند، «چارها و لاله‌ها و کتیبه‌ها همه به رنگ قرمز بود» [۱۳]. سپس پرچم سه رنگ بدون نشان دولتی شیروخورشید، بعنوان پرچم مشروطه خواهان تثبیت گشت [۱۴]. نشان دولت از پرچم پاک شد و پرچم مردم گشت. تصویر زیر پرچمی بدون شیروخورشید از انقلاب مشروطیت است که کنار لوح «عدل مظفر»، در بخش مشروطیت موزه مجلس نگهداری می‌شود.



این بیرق‌های بدون «شیروخورشید» ملت، از بدیهیات تاریخ این دوران است. چنانکه حتی مولفین طرفدار رژیم پهلوی نیز به صراحت نوشته‌اند که:

«...از ایندوره میان بیرق ملی و بیرق دولتی جدایی گذاشتند. بر بیرق‌های دولتی شیروخورشید نقش کردند و بیرق‌های ملی بدون شیروخورشید بود» [۱۵]

در تصاویر به جای مانده از مشروطه‌خواهان تبریز پرچم‌ها بدون شیروخورشیدند. حمید نیر نوری- در کتاب خود دو تصویر از تبریز را منتشر کرده و اذعان نموده است که پرچم سه رنگ، بدون شیروخورشید بود. (۱۶)

در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



از نگاه دیگران m.abbeigi@yahoo.fr xalvat.info



در موزه و کتابخانه ملی ملک در نمونه‌هایی از تمبرهای آن دوران، تمبری به رنگ پرچم‌های ایران و بدون نشان شیروخورشید نگهداری می‌شود.[۱۷]



تصویر زیر پرچم بدون شیروخورشید را دو سال قبل از تصویب متمم نشان می‌دهد.[۱۸]



سرگذشت پرچم در قانون اساسی مشروطیت و متمم آن

«قانون اساسی مشروطیت» که در سال ۱۲۸۵ شمسی به امضای مظفرالدین شاه رسید، در حقیقت نظامنامه مجلس شورا بود [۱۹] و در آن نه تنها از پرچم و دین رسمی، بلکه از حقوق ملت و وظایف حکومت و... نیز سخنی در میان نیست. از اینرو باید «دنباله» ای می‌داشت. خواستار پیگیر، سرسخت و آشتی‌ناپذیر این «دنباله قانون اساسی»، «انجمن ملی تبریز» و «ملت آذربایجان» بود و مانع و سبب‌کننده تصویب آن، سران روحانیت شیعه بودند که با پشتیبانی شاه برای شرعی کردن کامل آن می‌کوشیدند. شاه از طریق آنان کارشکنی می‌کرد و ازین طریق دشمنی خود با آزادی و ترقی را پیش می‌برد. عمده وقت مجلس صرف بحث روی انطباق قوانین با شریعت می‌گذشت. تبریز در طلب متمم بی‌تابی می‌نمود و مجلس میان فشار تبریز و سرسختی شریعت‌خواهان گرفتار. درین فضا متمم قانون اساسی سرانجام تصویب و در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ هجری قمری (۱۴ مهر ۱۲۸۶ خورشیدی، ۷ اکتبر ۱۹۰۷) به امضای شاه رسید.

پرچم در متمم قانون اساسی مشروطیت

در اصل پنجم این قانون گفته شد:

«الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیروخورشید است.»

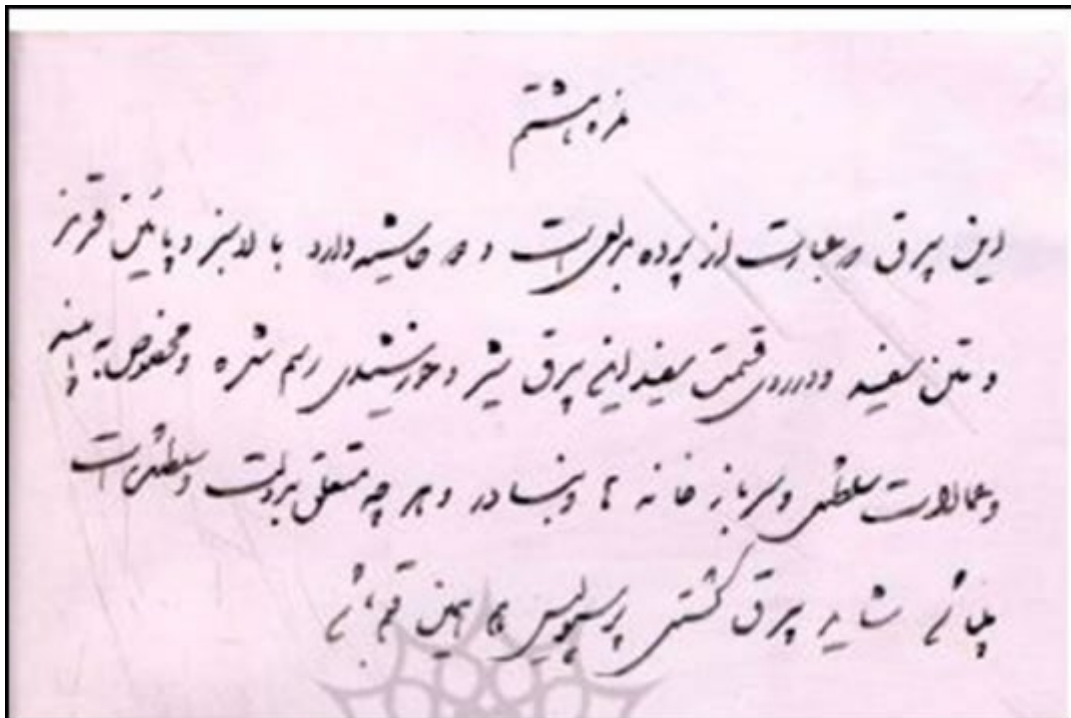
برای طرفداران سلطنت، موضوع پرچم در اینجا پایان می‌یابد. آنها به همین استناد می‌کنند که پرچم سه رنگ با نشان شیروخورشید پرچمی است که قانون اساسی مشروطه تصریح کرده است. بی‌آنکه سخنی از «رسمی» و «دولتی بودن» نشان و «پرچم شیروخورشید» به میان آرند.

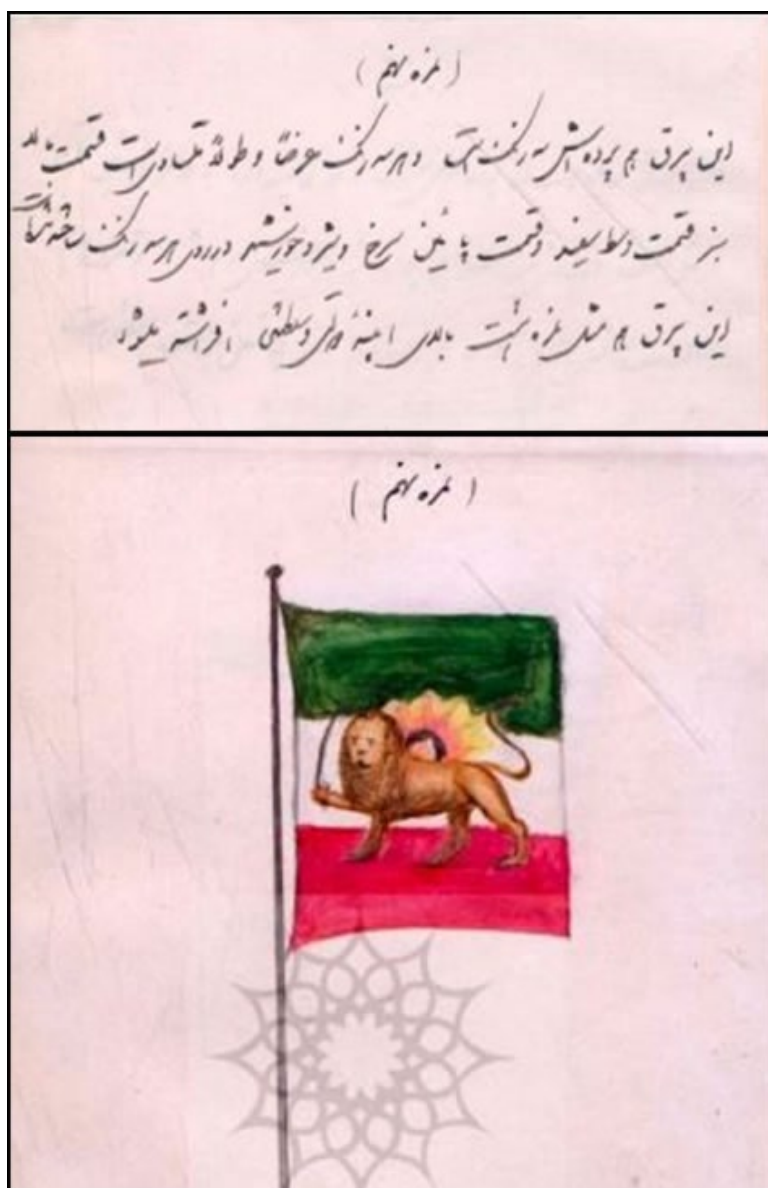
در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



از نگاه دیگران m.abbasi@yahoofr.com xalvat.info

آنچه در متمم قانون اساسی تصویب شد، «پرچم رسمی - دولتی ایران» بود. با نشان رسمی و مخصوص دولت و در چارچوب پرچمهای دولتی همان دوره. چنانکه در بالا با استناد به «کراسه المعی» گفتیم، دو پرچم از یازده پرچم آخرین سالهای سلطنت ناصرالدین شاه، همان مشخصاتی را دارند که پرچم مصرح در اصل پنجم دارد: سبز و سفید و سرخ و علامت شیروخورشید. به نشانه تعلق به سلطنت و دولت. توضیح و تصویر این پرچمها را می‌آوریم:





این دو پرچم مختص همه متعلقات به «دولت و سلطنت» است. تصاویر و توضیح آنها، نه از خاطرات سیاحان و ... و یا نقاشی فلان نقاش در این یا آن سفر شاه و ایلچی او، بلکه از کتابی نقل می‌شود که به امر ناصرالدین شاه و نظارت و سرپرستی اعتمادالسلطنه تالیف شده است. سند دیگری را نیز نقل می‌کنیم و ازین مبحث می‌گذریم: ابراهیم مکلا در سال ۱۳۴۴ در مقاله ای بنام «شیرخورشید: نشان رسمی دولت ایران»، ضمن درج تصاویر کمیاب بسیاری از مهرها و نشانهای این دوره، تصویر بریده ای از یک روزنامه را نیز نقل کرده است که فرمان شاه در باره «بیرقهای دولت علیه» است.



متأسفانه تاریخ این دستورالعمل و منبع آن روشن نیست، ولی صدور فرمان از طرف شاه، مشخصات شیروخورشید، نوع چاپ و بکار رفتن بعضی واژه‌ها [مانند «بیرق» و «قرمز»] نشان می‌دهند که متعلق به پیش از پهلوی است. پرچمی که این فرمان توصیف می‌کند، دقیقاً مشخصات همانست که در متمم قانون اساسی ایران آمده است: پرچم سه رنگ سبز سفید و قرمز با نشان شیروخورشید. چنانکه گفتیم، در سالگرد صدور فرمان مشروطه - یعنی



پیش از تصویب متمم قانون اساسی- سر در ساختمان مجلس شورا، با دو پرچم تزیین شد که یکی پرچم بدون شیروخورشید مشروطه خواهان و دیگری همین پرچم دولت قاجار است. متمم قانون اساسی همین پرچم سه رنگ شیروخورشید دولت قاجار را بعنوان پرچم دولتی ایران پذیرفت. و اولین دولت مشروطه - در سندی که خواهیم آورد- مختصات «بیرق ملی» (سه رنگ بدون شیروخورشید) و بیرق دولتی (سه رنگ با شیروخورشید) را تعیین کرد .

طرفداران سلطنت دهه هاست که ازین «پرچم ملی» هیچ نمی گویند و اسناد تاریخی در باره این پرچم نیز مسکوت گذاشته می شود و یا پنهانش می کنند .

«- بیرق ملی» و سرگذشت آن

گفتیم که «بیرق ملی» - یا به اصطلاح امروزی «پرچم ملی»، در انقلاب مشروطیت ظاهر شد. زمانی که دولت با «پرچم شیروخورشید» به جنگ «ملت» رفت، «ملت» نیز پرچم خود را بر افراشت. پرچمی بدون شیروخورشید دولت. بعبارتی دیگر «شیروخورشید» را که نشان رسمی دولت بود، از پرچم سه رنگ پاک کردند و این پرچم «بیرق ملی» نام گرفت. مجلس «بیرق دولتی» را تعیین کرد و به کار بیرق ملی دخالتی نکرد. این بیرق همچنان در دست مردم بود و بمناسبت های مختلف مورد استفاده قرار می گرفت.

تصویر زیر جشن سالگرد مشروطیت را نشان می دهد که هر دو پرچم ملی و دولتی- یکی با و دیگری بی شیروخورشید در کنار هم بر سر در بهارستان افراشته شده اند. این تصویر را تعمداً نه از منبع دیگر، بلکه از کتاب حمید نیر نوری آوردیم که در سال ۱۳۴۴ از سوی «موسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی ایران»، منتشر شده است.



«بیرق ملی» از سوی دولت مشروطه رسماً پذیرفته شد و در سندی بنام «علائم بیرقهای دولت علیه ایران»، اندازه طول و عرض آن، ترتیب و نسبت اندازه هر سه رنگ و موارد استفاده از آن تعیین گشت. این مصوبه حلقه گمشده در موضوع پرچم است و پنهان کردن آن سبب گمراهی ها، حتی در میان جمهوری خواهان گشته است. دولت پهلوی ها و مولفین طرفدار سلطنت- چه در زمان نظام سلطنتی و چه بعد از آن، به این سند اشاره نمی کنند. چنانکه گویی از بیخ و بن نبوده است. در باره این سکوت تعمدی پایین تر خواهیم نوشت [۲۰].

« علائم بیرق های دولت علیه ایران» - سندی که پنهانش می کنند!



«علائم بیرق‌های دولت علیه ایران» سندی از اولین دولت مشروطه است، در تبیین و اجرای اصل پنجم متمم قانون اساسی. این مصوبه در سوم رمضان سال ۱۳۲۸ هجری قمری (۱۶ شهریور ۱۲۸۹) یعنی سه سال پس از تصویب متمم قانون اساسی، تصویب و اعلام شده است. پای سند را نایب‌السلطنه عضدالملک قاجار و [نماینده] وزارت جنگ امضا کرده اند. [این مصوبه به همراه اسناد دیگر، در شماره اول «سالنامه وزارت امور خارجه- ۱۳۳۲ هجری قمری»، در مطبعه فاروس تهران به چاپ رسیده است. نخستین بیرقی که درین مصوبه تصریح و تبیین شده است، همان «بیرق ملی» است:

«علائم بیرق‌های دولت علیه ایران» نمره ۱)

بیرق ملی

پرچم این بیرق مرکب است از سه رنگ افقی

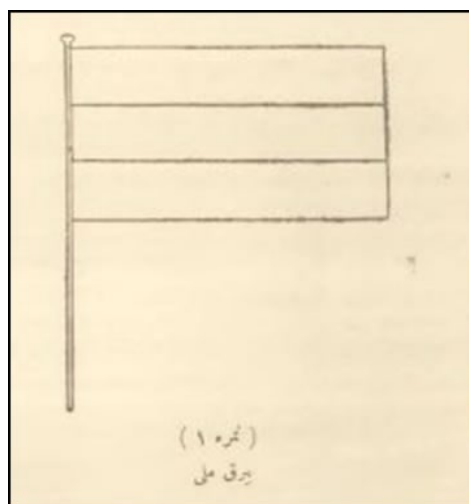
بالا سبز روشن (چمنی)

پایین قرمز گلی

وسط سفید

هرسه رنگ به یک عرض و طول خواهند شد. عرض هر رنگ هشت گره جمعا یک ذرع و نیم طول در مقابل دو عرض.

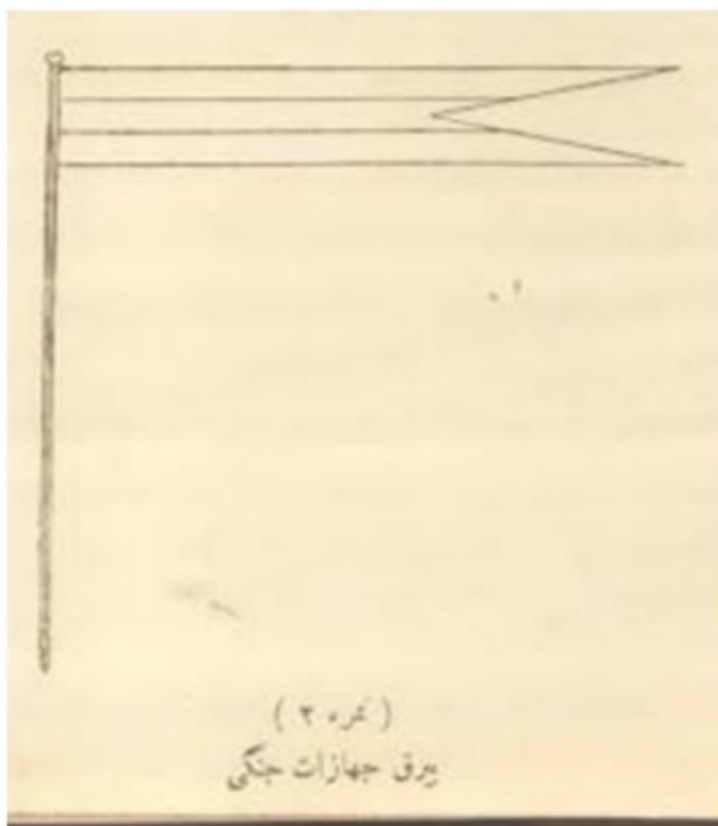
این بیرق بر سر ابنیه ملی موقع اعیاد و جشنهای ملی و سلطنتی نصب خواهد شد.



(نمره ۲)

بیرق شعله مخصوص دکل‌های جهازات جنگی

عرض محل اتصال بیرق به چوب ربع بیرق معمولی است. الوان ثلاثه افقی به یکدیگر بطور موازی وصل میشود-طول پرده هشت برابر عرض آن خواهد بود- این بیرق دارای دو زبانه است- از دو نقطه که رنگ قرمز و سبز تمام می‌شود- راس مثلث در قسمت سفید یک ذرع و نیم بدخل برگشته تمام می‌شود(مطابق شکل ۲) این بیرق مخصوص جهازات جنگی و در هنگام اقامت فرمانده به بالای دکل کشیده می‌شود.



(نمره ۳)

بیرق دولتی

(۲) این بیرق در عرض و طول عینا مثل بیرق ملی است- فقط در وسط قسمت سفید شیروخورشید ایستاده بطرز ذیل قرار دارد

روی شیروخورشید بسمت چوب است- پای شیر بقسمت قرمز و شعاع خورشید بسمت سبز تجاوز نمی کند-

دم شیر بشکل قلاب) مثل اس ایتالیک (S یعنی بدوا بشکل افقی شروع شده و با یک خم بالا می رود، خورشید در انحنا گردن و کمر واقع شده است- دست راست شیر دارای یک شمشیر عمودی و نگاه شیر مایل است. این بیرق در سر عمارات دولتی و امکانه نظامی و سفارتخانه ها نصب می شود. (مطابق شکل ۳)



علائم بیرونی قهاری دولت علیه ایوان

(نمره ۱)

بیرق میلی

(۱)

برده این بیرق مرکب است از سه رنگ افقی
بالا سبز روشن (جیبی)
پایین قرمز تیره
وسط سفید
هر سه رنگ یک عرض و طول خواهد بود - عرض هر رنگ هشت گره - جمعا یک ذرع و نیم -
طول دو مقابل عرض
عرض ۱۵۶ سانتیمتر
طول ۳۱۲ سانتیمتر
این سه رنگی که بهم متصل است از یک طرف توسط ریشانی که یک چوب بسته است مربوط میشود
اقل طول چوب سه برابر عرض برده است (۴ ذرع و نیم)
طول چوب چهارمتر و شصت و هشت سانتیمتر است - رنگ چوب برنگ روغنی سفید - سر
چوب ساده است (مطابق شکل ۱)

این بیرق در برابر آینه ملی موقع ایجاد و جشنهای ملی و سلطنتی نصب خواهد شد

(نمره ۲)

بیرق شعله مخصوص دکاهای جهازات جنگی

(۲)

عرض علی اتصال بیرق بچوب ربع بیرق معنوی است الوان تیره افقی یکدیگر بطور موازی وصل



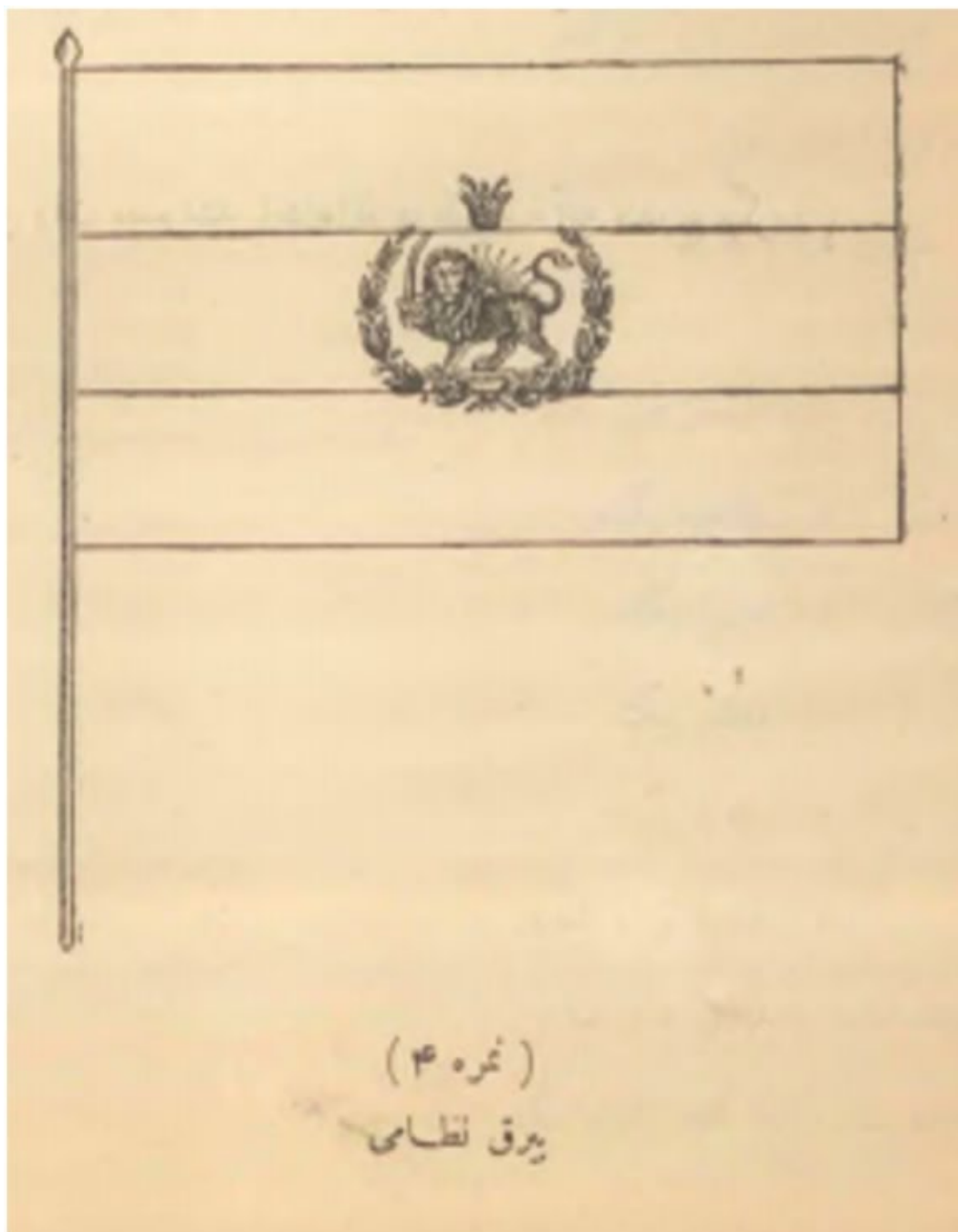
(نمره ۴)

بیرق نظامی و جنگی

این بیرق بهمان ترتیب دولتی است فقط تاج کیانی در بالای خورشید و روی پارچه سبز است- و در دوره شیر یکدائرة (پالم) قدری بیضی گذاشته شده است.

سر چوب یک پنجه یا قبه یا شکل دیگری مطابق نظامنامه هر دسته قشونی که مالک آن بیرق است از نقره خواهد داشت-

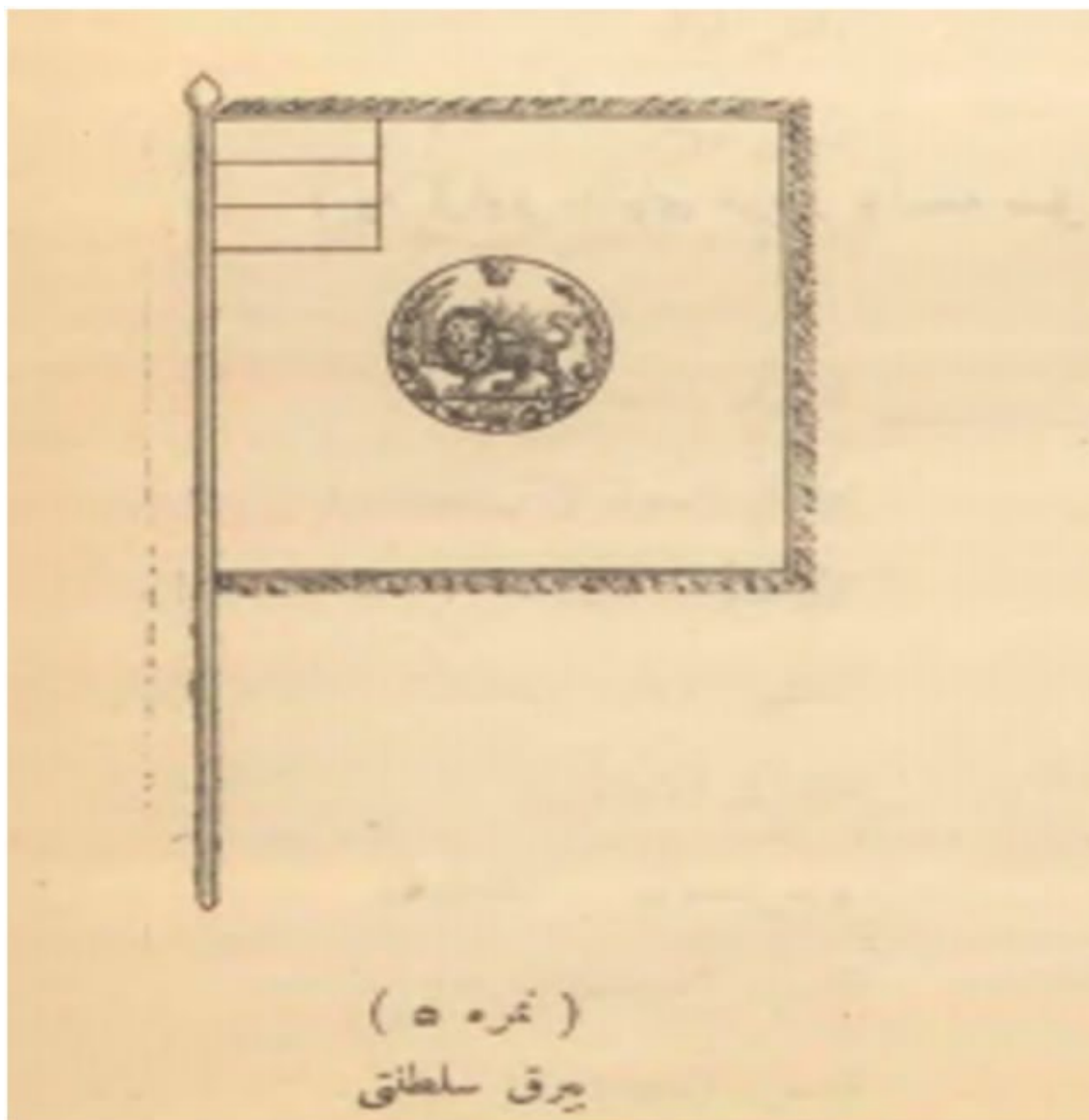
این بیرق مخصوص بنظام و دستجات قشون است که در موقع جنگ در بالای قلعات و قورخانه و سنگرهای ضبط شده و در کلیه نقاطیکه در تصرف قشون است نصب خواهد شد. (مطابق شکل ۴)



(نمره ۵)

پرچم سلطنتی

(۵) این پرچم در طول و عرض پرچم نظامی مربع است. - از پارچه ابریشم آبی رنگ بافته شده و برنگ حمایل سلطنتی است- در طرف طول بالای پرده سمتی که بچوب متصل است یکمربعی مرکب از الوان ثلاثه ملی (سبز و سفید و قرمز) که هر ضلعش ربع اضلاع پرده و یک ضلعش بریسمان پرده مربوط است دارا خواهد بود- در وسط پرده شیروخورشید بهمان شکلی که در پرچم نظامی است یا «با پالم و تاج کیانی» که با ملیله زردوزی شده است خواهد داشت- سر چوب پرچم دارای یک قبه کوچکی از طلا خواهد بود. (مطابق شکل نمره ۵)



نظامنامه فوق در تعیین بیرق‌های دولت علیه ایران که متضمن مواد پنجگانه است صحیح است. ۳ رمضان ۱۳۲۸

محل امضای نیابت سلطنت عظمی

محل امضا وزارت جنگ"

چنانکه گفتیم این سند دولتی، که در آن «بیرق ملی» (بیرق بدون شیروخورشید) حتی پیش از بیرق دولتی و جنگی و سلطنتی تبیین و توصیف شده، مغضوب طرفداران نظام سلطنتی گشته و جزو اسناد بسیار نادری شده است که نه تنها عموم، بلکه [بسیاری از] پژوهشگران نیز- حتی از وجودش نیز بی اطلاعند و من از همین رو تصویر همه صفحات آنرا برای استفاده علاقمندان درین نوشته نهادم.

مولفین چند اثر درباره تاریخچه پرچم ایران، حمید نیر نوری، نصرت الله بختورتاش، سعید نفیسی، یحیی ذکا، ناصر انقطاع و ... در نوشته های خود کوچکترین اشاره ای به این سند نکرده اند، حال آنکه از وجود آن اطلاع داشته و یا آنرا دیده بودند [۲۲]. [این تجاهل العارف و پنهان کاری امروز نیز از سوی سخنوران و قلمزنان سلطنت خواه ادامه دارد. آنها با این رفتار، راه را برای گمراهی بسیاری افراد بی غرض ولی کم اطلاع - بویژه نسل جوان- گشوده اند.

در عظیم خلوت من ! در عظیم خلوت من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



از نگاه دیگران m.ilbeigi@yahoo.fr xalvat.info

ولی درین میان تفاوتی میان مولفین سلطنت خواه دوره پهلوی و دوره فعلی وجود دارد: مولفین دوران پهلوی - علیرغم سکوت درباره مصوبه دوران انقلاب مشروطیت، درباره حضور و رسمیت «پرچم بدون شیروخورشید» در دوران پهلوی بارها نوشته اند، ولی سلطنت طلبان امروزی علاوه بر سکوت درباره این مصوبه دولت مشروطه، وجود پرچم بی شیروخورشید در دوره پهلوی را نیز انکار می کنند. در نوشته ها و سخنان آنها اشاره ای به وجود و کاربرد وسیع پرچم بی شیروخورشید در سرتاسر دوره پهلوی نیست.

بیرق ملی («پرچم سه رنگ بی شیروخورشید») تا پایان سلطنت قاجاریه رسماً مورد استفاده بود. از جمله در دوره قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز، «پرچم ملی» در دست قیام کنندگان بود. علی آذری در کتاب خود بارها به این پرچم اشاره کرده است [۲۲].

پرچم ملی در دوره رضا شاه

در تعدد پرچم و وجود «پرچم ملی» در کنار «پرچم دولت» در دوره رضاشاه، تردیدی نیست. در این دوره واژه ترکی «بیرق» را کنار گذاشته و واژه ترکی دیگری، یعنی «پرچم» را پذیرفتند [۲۴]. علیرغم برخی تغییرات و تدقیقات در مسئله پرچم، «پرچم ملی» (بدون شیروخورشید) در کنار «پرچم دولتی» (با شیروخورشید) همچنان به جای خویش باقی بود. امریه رضاشاه در دوم مرداد ۱۳۱۴ دلیلی بی چون و چراست:

«تعیین قطع پرچم‌های ملی و دولتی و نظامی جنگی

حسب الامر جهانمطاع مبارک ملوکانه ارواحنا فداه قطع پرچم‌های ملی و دولتی و نظامی جنگی برای بناها و عمارات و موسسات ملی دو در سه و برای کشتی‌ها کما فی السابق یک در سه تعیین گردیده است. - وزیر عدلیه [۲۵]

نمره ۱۲۷۸۴

۲ مرداد ۱۳۱۴

متحدالمال

اداره ثبت . . .

سواد امریه متحدالمالی نمره ۱۱۱۰۰-۱۳۱۴/۴/۲۴ وزارت جلیله عدلیه اعظم دامت شوکته را ذیلاً درج می‌نماید که مفاد آنرا در نظر بگیرید.

مدیرکل ثبت کتوری - عبدالله مستوفی

یعموم عدلیه های ولایات و ایالات لزوماً ابلاغ می شود

حسب الامر جهانمطاع مبارک ملوکانه ارواحنا فداه قطع پرچم های ملی و دولتی و نظامی جنگی برای بناها و عمارات و مؤسسات ملی دو در سه و برای کشتی ها کما فی السابق یک در سه و برای کشتیها کما فی السابق یک در سه تعیین گردیده است.

وزیر عدلیه

سواد متحدالمال فوق باده کُل ثبت ارسال می شود که بادهارات ثبت ولایات ابلاغ نمایند

از طرف وزیر عدلیه دکتر متین دفتری



چنانکه می‌بینیم اینجا نیز سخن از همان پرچم‌هایی است که در مصوبه دوره انقلاب مشروطیت آمده بود. ترتیب نیز همان است: «ملی»، «دولتی»، «نظامی جنگی» و کشتی‌ها.

این پرچم بدون شیروخورشید در دوره بعد از رضاشاه نیز رسمیت داشت و مورد استفاده بود. در نهضت آذربایجان (۱۳۲۴-۱۳۲۵) پرچم سه رنگ بوسعت استفاده می‌شد. آزادیخواهان آذربایجان در عین حال همین پرچم را با نشان خود در وسط آن، پرچم ایالتی حکومت ملی آذربایجان کردند [۲۶]. [عمیدی نوری - از معتمدین رژیم پهلوی و قوام السلطنه- که در خرداد ۱۳۲۵ با عده ای از روزنامه نگاران به آذربایجان رفته بود، در گزارشات خود از تبریز و جاهای دیگر آذربایجان، چندین جا از پرچم سه رنگ در خیابانهای تبریز و ... نوشته است] [۲۷]. در زیر بعنوان نمونه تصاویری از پرچمهای سه رنگ بی شیروخورشید را از تبریز آن دوران می‌آوریم. یک تصویر از سخنرانی پیشه‌وری در کنار پرچم سه رنگ بی شیروخورشید و یک عکس از رژه فدائیان آذربایجان با آن پرچم. در عکس تبریز، علاوه بر پرچم سه رنگ بی شیروخورشید ایران، دو پرچم دیگر نیز هست: یکی پرچم حکومت ملی آذربایجان است [پرچم سه رنگ با نشان حکومت ملی] و دیگری «پرچم ستارخان» (پرچم سرخ با تصویر ستارخان در آن) [۲۸].



در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



از نگاه دیگران m.ilbeigi@yahoo.fr xalvat.info



«پرچم ملی» یعنی پرچم سبز-سفید-سرخ، که در کشور معمول بود، در نهضت ملی کردن صنعت نفت نیز پرچم مبارزه مردم علیه شاه و دربار و پشتیبانان امپریالیست آن شد. تصاویری را بعنوان نمونه می‌آوریم :



در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



از نگاه دیگران m.ilbeigi@yahoo.fr xalvat.info



در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



از نگاه دیگران m.abbeigi@yahoo.fr xalvat.info

نشان برخی احزاب این دوره - مثلا حزب ایران، حزب زحمتکشان ملت ایران و ... نیز همین پرچم سه رنگ بی شیرخورشید ملی است. بر سر در موسسات «ملی» (یعنی غیر دولتی) اگر قرار بر نصب پرچمی بود، همین بود.





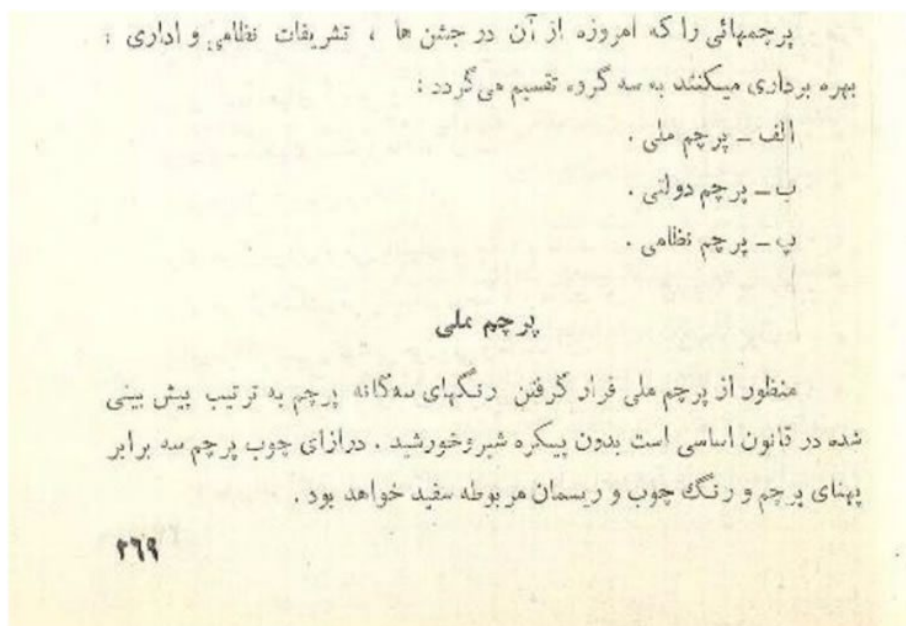
برای آنکه راه هرگونه تردیدی بسته شود، به اسناد مکتوبی از خود طرفداران رژیم پهلوی و از موسسات خود رژیم محمد رضا شاه اشاره می‌کنیم:

حمید نیر نوری، در کتاب خود-صرفنظر از درفش شاهنشاهی- از وجود سه پرچم، «پرچم رسمی - پرچم دولتی»، «پرچم نظامی» و «پرچم ملی» خبر داده است.[۲۹] [تصویری از نوشته او را می‌آوریم:

- بعبارت دیگر درحال حاضر علاوه بردرفش سلطنتی که شرحش را بعداً خواهیم دید سه نوع پرچم در ایران معمول است .
- ۱- پرچم رسمی ایران - (پرچم دولتی) - که سبز و سفید و قرمز و شیروخورشید است .
 - ۲- پرچم نظامی - که سبز و سفید و قرمز و شیروخورشید محاط در برک خرما (پالم) میباشد .
 - ۳- پرچم ملی - که سبز و سفید و قرمز و بدون شیروخورشید است و در مواقع اعیاد و مراسم توسط بنگاه‌ها و موسسات و اماکن ملی افراشته میشود .

نکته دیگر قابل توجه در این نوشته حمید نیر نوری آنست که اینجا- برخلاف دوره های پیشین- ترتیب توصیف پرچمها وارونه شده است. اگر در دوره انقلاب مشروطه و حتی دوره رضا شاه، پرچم ملی پیش از پرچمهای دولتی و جنگی قید می‌شد، اینجا پس از آنها آورده شده است.

سرهنک ستاد [ارتش شاهنشاهی] نصرت الله بختورناش نیز در کتاب «پرچم و پیکره شیروخورشید» (چاپ سال ۱۳۴۵) هنگام گزارش از «پرچمهایی که مورد بهره برداری است»، ابتدا به «درفش شاهنشاهی»، «درفش علیاحضرت شهبانو» و «درفش والاحضرت ولیعهد» را آورده و سپس به پرچم‌هایی پرداخته است که در آن دوره «از آنها بهره‌برداری می‌کنند». این سه پرچم عبارتند از «پرچم ملی»، «پرچم دولتی» و پرچم نظامی «پرچم ملی» که قبل از پرچم‌های دیگر توصیف شده، همان پرچم بی شیروخورشید مورد بحث ماست. تصویر دو صفحه از کتاب سرهنک ستاد نصرت الله بختورناش.[۳۰]





این همان پرچمی است که در جشنهای ملی و دینی و در چراغیایها ،
مغازه داران و یا دیگر مردم برای آرایش مغازه و خانه و ساختمانهای خود از آن
استفاده می نمایند .

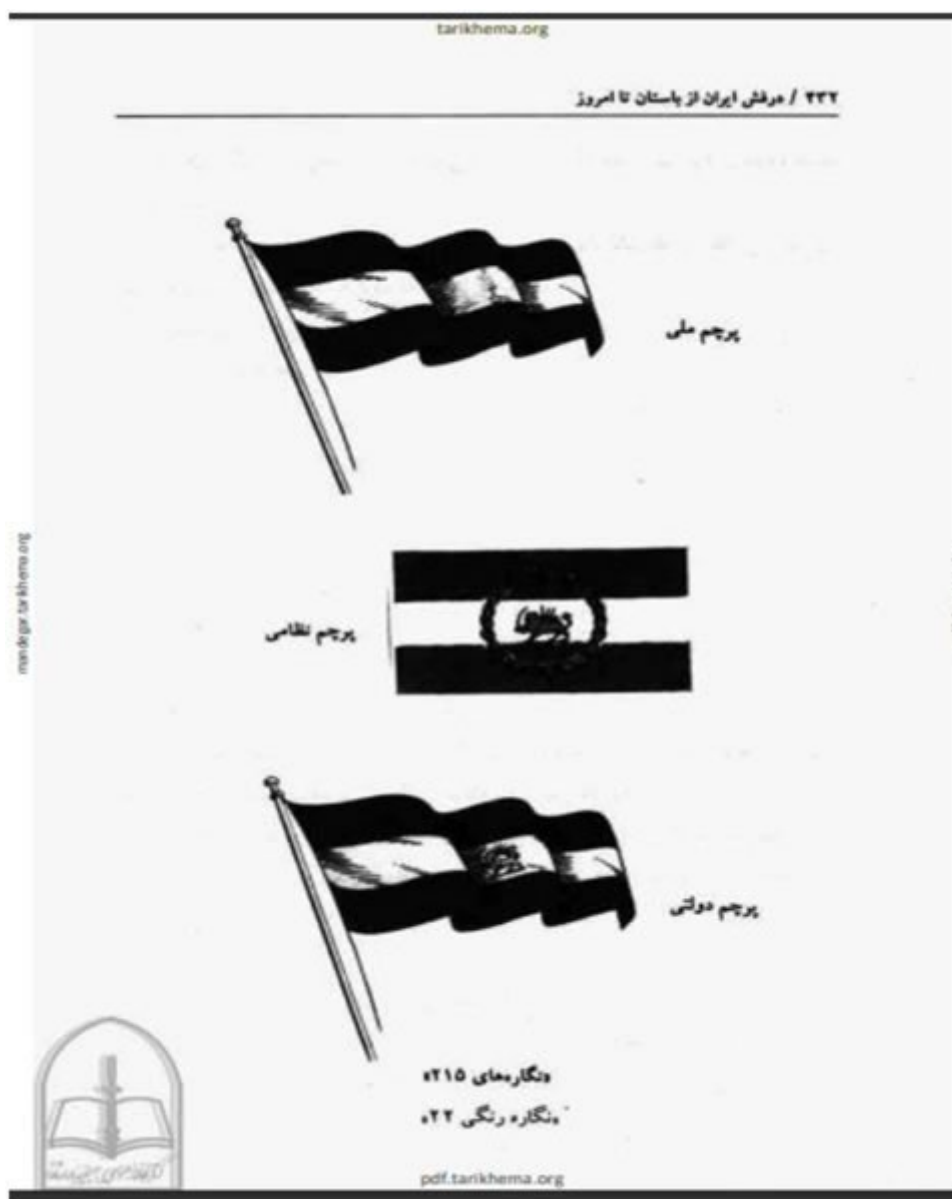
پرچم دولتی

همان پرچم ملی است که در وسط رنگ سفید آن شیر و خورشید برنگ زرد
نقش شده است .

پرچم نظامی

همان پرچم دولتی است که در بالای خورشید روی پارچه سبز و تاج پهلوی
نقش شده و دایره ای از برگ خرما ، شیر و خورشید را فرا گرفته است .
پرچمهای نظامی ویژه ساختمانهای نظامی مانند : سناد سپاه ، لشکر و تیپ ،
دانشکدهها و دبیرستانهای نظامی ، ادارات ارتش و مراکز پادگانها ، سپاهها ، لشکرها
و تیپ های مستقل و پاسگاههای مرزی بموجب بخشنامه شماره ۳۴۷/۵۸۶ -
۱۳۳۸/۱/۱۵ اداره یکم دایره ۳ قضائی باندازه های زیر است :

بختورتاش پس از سقوط شاه، کتاب پر حجم «تاریخ پرچم ایران- درفش ایران از باستان تا امروز» را منتشر کرد و در آن، همین ها را - با حذف عبارات ستایش از شاه و ملکه و ولیعهد وقت- باز نشر کرده و تصاویر پرچمها را نیز به کتاب خود افزوده است. [۳۱۰]



«پرچم ملی»، «پرچم سه رنگ پی شیروخورشید» در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد «پرچم ملی» - بدون شیروخورشید- در دوران پس از کودتای سال ۱۳۳۲ نیز حیات و دوام داشت. جهت رعایت اختصار تنها به این نوشته ناصر انقطاع درباره آن سالها، بسنده می‌کنیم.

...«درین روزها «پرچم ملی ایران» به پرچمی گفته می‌شود که تنها سه رنگ سبز و سفید و سرخ در آن باشد، بی‌آنکه نگاره شیروخورشید و شمشیر را بر روی رنگ سپید بنگارند. و «پرچم رسمی ایران» به پرچمی می‌گویند که گذشته از سه رنگ یاد شده، نقش شیروخورشید و شمشیر بر روی رنگ سپید آن و در میانه پرچم آورده شود.» [۳۲]



لکته دوم آنکه: در این روزها "پرچم ملی ایران" به پرچمی گفته می‌شود که تنها سه رنگ سبز و سفید و سرخ در آن باشد، بی‌آنکه نگاره شیروخورشید و شمشیر را بر روی رنگ سفید بنگارند. و "پرچم رسمی ایران" به پرچمی می‌گویند که گذشته از سه رنگ یاد شده، نقش شیروخورشید و شمشیر، بر روی رنگ سفید آن، و در میانه‌ی پرچم آورده شود.

و اینجا به دو سند دولتی نیز اشاره می‌کنیم. سند اول مصوبه هیئت وزیران در سال ۱۳۳۶ است که در بند پنجم آن به پرچم بدون شیروخورشید اشاره می‌شود:

«... چون تا کنون در موسسات و بناها و اماکن ملی از پرچمهای بدون علامت شیروخورشید استفاده میشود لذا موافقت میشود که موسسات غیر دولتی همواره برای تزیین در اعیاد و جشنها و همچنین افراشتن پرچم در بالای عمارات از پرچمهای بدون علامت شیروخورشید (بابعاد بالا) استفاده نمایند. (طبق شکل شماره ۲)» [۳۳]

کابینه منوچهر اقبال یک سال پس از این مصوبه، بار دیگر در سال ۱۳۳۷ به این موضوع پرداخت و تغییراتی در آن داد. از جمله تغییرات آن بود که: موسسات، بناها و اماکن غیر دولتی هم می‌توانند در صورت لزوم و با شرایطی از پرچم دولتی شیروخورشید نشان نیز استفاده کنند. مصوبه این است:

«۵- (چون تا کنون در موسسات و بناها و اماکن ملی از پرچمهای بدون علامت شیروخورشید استفاده میشود لذا مقرر می‌گردد که موسسات غیر دولتی نیز در موقع لزوم از پرچم شیروخورشید دار استفاده نموده و فقط برای تزیین آنها بطور افقی با زاویه ۴۵ درجه از نوار یا پارچه سه رنگ زمینه پرچم ایران استفاده نمایند)» [۳۴]

چنانکه می‌بینیم در این مصوبات از «پرچم سه رنگ بدون شیروخورشید» و موارد استفاده آن به صراحت سخن می‌رود، ولی عنوان «ملی» دیگر مورد استفاده نیست. نه درباره موسسات غیر دولتی و نه درباره پرچم. به جای «پرچم ملی»، از «پرچم بدون شیروخورشید» و به جای «موسسات و ابنیه ملی»، از «موسسات غیر دولتی» سخن می‌رود. تلاش برای حذف صفت «ملی» است، بی‌آنکه وجود پرچمی به این مشخصات انکار شود. یحیی ذکا در سلسله مقالاتی با عنوان «تاریخچه تغییرات و تحولات درفش ایران از آغاز سده سیزدهم هجری تا امروز»، ضمن سکوت درباره مصوبه سال ۱۳۳۲ هجری، نوشت:

«... پس از مشروطه، بر اثر یک گونه سو تعبیر یا بدفهمی، میان درفش دولتی و درفش ملی فرق قائل گردیدند... این موضوع گویا از آنجا پیش آمده بود که چون سابقاً شیروخورشید علامتی بود که اغلب از طرف هیئت حاکمه و فرمانروایان استعمال می‌گردید و نقش کردن آن نیز بروی پرده‌ی درفشها کاری دشوار بود، ... همچنین بعلت اینکه سابقاً همواره «دولت» دستگاهی بوده که در برابر «ملت» می‌ایستاده و حسابشان از هم جدا بوده است. از اینرو بر روی درفشهایی که در اعیاد رسمی و جشن و سرورها از طرف مردم بر افراشته می‌گردید، شیروخورشید بکار برده نمی‌شد» [۳۵]

هر سه دلیل یحیی ذکا بی پایه است. فرق میان دو پرچم ملی و دولتی دارای پیشینه‌ی اک بود و اندیشه‌ی اک در پشت داشت. «یگانگی ملت و دولت» در آن سالها نیز ادعای یحیی ذکاست. هنگام این مصوبه، از کودتای ۲۸ مرداد تنها چهار سال می‌گذشت و هنوز هزاران آذربایجانی - جان به در برده از کشتار سال ۲۵- در تبعیدگاهها و زندانها و یا بدنال «کوچ در پی کار و نان» بودند. ساواک نیز ساخته همین سالهاست تا حافظ سلطنت باشد. گذشته از آن، سبب رسمیت پرچم ملی، دشواری نقش کردن شیروخورشید بر روی پرچم سه رنگ نبود. کما اینکه امروز نیز کشورهای هستند که نشان دولتی بسیار ساده‌ی اک روی پرچم دولتی دارند، ولی در عین حال دارای پرچم «ملی» - شهروندی نیز هستند. نمونه‌هایی را در زیرنویس‌ها خواهیم آورد.

حضور پرچم بدون شیروخورشید تا پایان نظام سلطنت

با اینهمه، علیرغم تلاشها برای حذف صفت «ملی» از «پرچم بدون شیروخورشید»، این پرچم تا پایان دوران پهلوی چه با قید «ملی» و چه بدون آن، چه به تعبیر «پرچم مدنی» یا «پرچم سیویل» [یا بزبان امروز، «شهروندی»] حضوری بسیار گسترده داشت و در موارد و مناسبت‌های مختلف مورد استفاده بود.

در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



از نگاه دیگران m.ilbeigi@yahoo.fr xalvat.info

در سفرهای داخلی شاه و بازدیدهای او و نیز در مراسم رژه نظامی، پرچم بی شیروخورشید نیز برافراشته می‌شد. به نشانی استقبال «ملت» از او. این، تصویری از رژه نظامی ۲۱ آذر بمناسبت فتح تبریز و شکست دموکرات‌های آذربایجان است.



و این در سفر شاه به ارومیه



Time Tunnel / تونل زمان - فرقه دموکرات آذربایجان، سفر شاه به آذربایجان

در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ایل بیگی)



از نگاه دیگران m.ilbeigi@yahoo.fr xalvat.info

این تصاویر برای اطلاع آن دسته از ایرانیان آورده می‌شوند که شاهد دوران پیش از جمهوری اسلامی نبوده و یا آنرا از خاطر برده اند. گرنه آنان که دوره پهلوی را بخاطر دارند، می‌دانند که پرچم بدون شیروخورشید به وسعت در مراسم و مناسبت‌های مختلف مورد استفاده بود.



ویژه برنامه تونل زمان - سفرنامه شهپاتو



ویژه برنامه تونل زمان - سفرنامه شهبانو

نگارنده این سطور برای ارائه نمونه‌هایی مستند ازین تصاویر و عرضه آن به خوانندگان کم اطلاع، هفته‌های متوالی را صرف جستجو در فیلم‌های مستند دوران پهلوی- بویژه دهه بیست و سال‌های نهضت ملی کردن صنعت نفت- و تورق کتاب‌ها و جراید، نشان‌های احزاب و... آن دوران کرد و مجموعه ای گرد آورد و سرانجام بر آن شد که جهت رعایت اختصار و حوصله خوانندگان، تنها به چند نمونه بی‌گفتگو- از خود سلطنت‌طلبان- اکتفا کند و در گذرد:

یکی صفحه نخست روزنامه اطلاعات مورخه سوم اسفند سال ۱۳۵۳ است. همان شماره که خیر تشکیل حزب رستاخیز به فرمان شاه را اعلام کرد. تصمیمی که اعلیحضرت همایونی دفعتاً اعلام کرد و حتی حیرت بالاترین کادرها و نمایندگان رژیم را برانگیخت. زمانی که کشور بیش از هر چیز نیازمند آزادی‌های سیاسی بود، حتی احزاب دولتی یا طرفدار شاه نیز بسته شدند. یک حزب ماند که نامش را، دبیر کل‌اش را و شرایط عضویتش را - و نیز بخشودگی هزینه پاسپورت مخالفان برای خروج از کشور را- شاه فی‌المجلس تعیین کرد:

«جای کسی که با قانون اساسی، نظام شاهنشاهی و اصول انقلاب مخالف است، یا زندان است و یا خروج راحت از کشور.»

و صفحه اول روزنامه اطلاعات در تاریخ اعلام این شاهکار اعلیحضرت، پرچمی رنگی در صفحه اول خود منتشر کرد: پرچم سه رنگ بی شیروخورشید. این است آن صفحه:



علت تزیین صفحه اول روزنامه با عکس رنگی پرچم بدون شیروخورشید آن بود که این پرچم سه رنگ، رسماً پرچم «ملی» (غیر دولتی - شهروندی) ایران حساب می‌شد و از آنجا که نام حزب، «حزب رستاخیز ملت ایران» بود، روزنامه، اقدام به استفاده از آن کرد. این حزب در نشانش تنها به رنگ‌های پرچم اکتفا نمود.



در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ایل بیگی)



از نگاه دیگران m.ilbeigi@yahoo.fr xalvat.info

و عکسی از آموزگار در جلسه حزب رستاخیز. این عکس سبب حیرت کسانی شده است که اطلاعی از وجود پرچم بدون شیر و خورشید در دوره پهلوی ها ندارند.



استفاده از این پرچم فقط منحصر به حزب رستاخیز نبود. احزاب دولتی پیش از رستاخیز نیز، از آنجا که مدعی تعلق به «ملت» بودند، در نشان و در پرچم‌های اجتماعات خود از آن پرچم بی شیر و خورشید استفاده می کردند. توجه خواننده را بعنوان نمونه به چند تصویر از حزب مردم ایران و حزب ایران نوین جلب می کنیم.



در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



از نگاه دیگران m.ilbeigi@yahoo.fr xalvat.info



در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



از نگاه دیگران m.abbasi@vahoo.fr xalvat.info



تصویر زیر از تظاهرات کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج از کشور است که در روی جلد کتاب حمید شوکت نیز آورده شده است.



و بازیهای آسیایی تهران در سال ۱۳۵۲

در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



از نگاه دیگران m.abbeigl@yahoo.fr xalvat.info



و باز، بازیهای آسیایی تهران، رژه ی رسمی ورزشکاران ایرانی:



.....انبوهی از اسناد و مدارک، عکس‌ها و فیلم‌های دوران پهلوی نشان دهنده وجود پرچم بدون شیروخورشید در کنار پرچم دولتی یا شیروخورشید است. اگر از موضوع پرچم‌های دیگر یعنی پرچم نظامی و پرچم‌های خانوادگی شاه (پرچم شاه، پرچم همسر، پسر ارشد و...) بگذریم، تا انقلاب سال ۵۷، ایران دارای دو پرچم رسمی بود: یکی پرچم «ملی» بدون شیروخورشید (شهروندی- مدنی- سیویل) و دیگری با شیروخورشید که رسماً پرچم دولتی- کشوری ایران شاهنشاهی بود. مناسفانه طیف سلطنت طلب امروز منکر این حقایق تاریخی اند.



کوناہ سخن آنکه:

در میان کشورهای جهان، کشورهای هسند که پرچم دولتی - کشوری و پرچم «شهرودی» - «مدنی» آنها متفاوتند. ایران نیز از دوران انقلاب مشروطیت تا پایان «نظام سلطنت شاهنشاهی» از جمله این کشورها بود. کشور آلمان نیز - که بسیاری از ایرانیان خارج از کشور، از جمله سلطنت طلبان - مقیم آند، نیز نمونه‌ای از این کشورهاست. یک پرچم سه رنگ سیاه، قرمز، طلایی و پرچم دیگر همان پرچم سه رنگ با علامت عقاب در وسط آن. آنکه نشان عقاب آلمان را دارد، پرچم مختص دولت آلمان و ادارات و نمایندگی‌های دولت است و پرچم سه رنگ بی عقاب، پرچم ملی و شهرودی این کشور است با استفاده وسیع. از ذکر نمونه‌های دیگر خودداری می‌کنیم.

پس از سرنگونی نظام سلطنتی در ایران، در موضوع نشان دولت و پرچم آن نیز اغتشاش‌هایی پدید آمد. سرانجام تصمیم بر حفظ پرچم سه رنگ و نشاندن نقشی به نشانه «الله» برنگ سرخ در وسط آن و «الله اکبر» به خط کوفی و رنگ سفید در حاشیه‌ها.

با حاکمیت رژیم دینی در ایران، هرچند پرچم سه رنگ بی شیروخورشید مدتی اینجا و آنجا مورد استفاده بود، ولی بسرعت از صحنه بیرون نهاده شد. پرچمی که از انقلاب مشروطیت ایران باینسو، چه بنام بیرق و پرچم ملی، پرچم مدنی و یا «پرچم سه رنگ بدون شیروخورشید»، برسمیت شناخته می‌شد و بوسعت مورد استفاده مردم، سازمانها و موسسات غیر دولتی بود، نیز از سوی نظام جدید عملاً ملغی شد. ولی این پرچم همچنان به حیات خود ادامه داد. یک عرصه حیات این پرچم در خارج از ایران و میان ایرانیانی بود که نه طرفدار نظام سلطنت شاهنشاهی بودند و نه خواهان نظام سلطنت فقیهان. این روند همچنان ادامه دارد.

و طرفداران رژیم سلطنتی - چه آنان که در خارج بودند و چه آنانکه پس از سرنگونی رژیم شاهنشاهی از ایران خارج شدند - پرچم سه رنگ شیروخورشید نظام سلطنتی را بمثابه نشان خود، نشان مبارزه برای بازگرداندن نظام سلطنتی پهلوی‌ها قرار دادند. ناگفته نگذاریم که این نشان و پرچم، نشان گروهی از سلطنت طلبان نیز شد که برخلاف گروه پیشین، ضمن تلاش برای بازگشت نظام سلطنت، «بدی»‌هایی نیز در محمدرضاشاه می‌دیدند. ولی نقطه اشتراک آنان بازگشت سلطنت بود و از اینرو پرچم شیروخورشید دولت پادشاهی، پرچم هر دو طیف. عوامل متعددی مانع از تبدیل این بخش از سلطنت طلبان به نیرویی جدی شد. و در نتیجه پرچم شیروخورشید، نشان کسانی گشت که سلطنت طلبی شان همانا پهلوی طلبی است. با تطهیر و تقدیس پهلوی‌ها. «همه با پهلوی» زیر «پرچم شیروخورشید!»

نیروی سلطنت طلب در انتخاب پرچم شیروخورشید برای خود، محق بود و محق هست. «اصل» آنهاست و خواهان بازگشت به اصل خویش‌اند. سلطنت می‌خواهند و این نماد نظام سلطنت است. کما اینکه سازمانها و احزاب سیاسی دیگر نیز نشان ویژه خود را دارند که گاه معرف نظام مطلوب آنهاست. ولی با اینهمه، هیچکدام از این جریانات در صدد تحمیل نشان و پرچم خود بر همه و معرفی آن بعنوان نماد همه ایرانیان مخالف رژیم جمهوری اسلامی نیستند. و تنها نیرویی که چنین قصد و تلاشی دارد سلطنت طلبان اند. آنها از سویی مدعی اند که پرچمشان، پرچم ایران و همه ایرانیان است و از سوی دیگر با پرچمهایی بسیار، در اندازه‌های بسیار بزرگ در اجتماعات شرکت می‌کنند و آن اجتماع را بعنوان وسعت نیروی سلطنت طلب جلوه می‌دهند. دیدیم که در تظاهرات عظیم برلین، پرچمی بسیار بزرگ را همچو چتری بر روی سر گرفتند و با پخش عکسهای هوایی از آن پرچم در رسانه‌های قدرتمند پشتیبان خود، به بزرگنمایی خود، گمراه کردن بی‌خبران و ارباب مخالفین کوشیدند. نمونه‌ای از این بزرگنمایی را در نظرسنجی‌های ساختگی به سود سلطنت نیز دیده ایم. این رفتار سلطنت خواهان برخلاف ادعای آنان، نه در خدمت تقویت مبارزه علیه رژیم، بلکه در خدمت تضعیف این مبارزه است. رفتار طیف سلطنت طلب با مخالفان خود - که حاضر به رفتن بزیر پرچم نظام سلطنت نیستند - نشاندهنده تدوام سنت استبداد شاهنشاهی در میان آنان است. آیا این نیرو درین رفتار تجدید نظر خواهد کرد؟ آیا سرانجام خواهد پذیرفت که او نیز نیرویی است مانند دیگر جریانات؟ یا کماکان، هم شاه خود و هم نشان شاهی شان را مافوق همه خواهند پنداشت و با مخالفان آزادیخواه رژیم استبدادی حاکم، با جمهوریت طلبان، همان سیاستی را پیش خواهند گرفت که محمدرضا پهلوی پیشه کرد؟

نه پرچم شیروخورشید سلطنت طلبان، پرچم فراگیر همه مخالفان جمهوری اسلامی ایران است و نه هیچ پرچم و نشانی از جریانات دیگر. هیچکدام از این پرچمها و نشانها سقفی نیستند که به هنگام خواسته‌ای مشخص و فراگیر، قادر به گرد آوردن همه مخالفان رژیم به زیر خود باشند. تا زمانی که نمایندگانی حقیقی همه مردم ایران، در مجلسی دموکراتیک پرچم دیگری را تصویب نکرده‌اند، اگر قرار بر تعیین پرچمی برای تمثیل همه مردم و همه

در عظیم خلوت من ! در عظیم خلوت من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



از نگاه دیگران m.ilbelqi@yahoo.fr xalvat.info

مخالفان جمهوری اسلامی ایران باشد، آن پرچم، «پرچم سه رنگ بی شیروخورشید» دوران مشروطیت است که دهه‌ها بعنوان پرچم ملت - پرچم ملی - پرچم مردم - پرچم مدنی و شهروندی ایران شناخته می‌شد.

امیدوارم که این نوشته در روشن شدن موضوع «پرچم» مفید افتد و به هموطنان آزادیخواهی که پرچم دولتی رژیم سلطنتی، یا پرچم ارتش شاهنشاهی را پرچم ملی خود می‌پندارند، در یافتن حقیقت یاری کند. امیدوارم با این نوشته سنگی - هرچند کوچک - از سر راه آزادیخواهان حقیقت جو، در مبارزه علیه استبداد دینی حاکم، در مبارزه برای آزادی، عدالت و همه آمال نیک برداشته شود.

سیروس مددی

کلن- ۸ دی ۱۴۰۱ - ۲۹ دسامبر ۲۰۲۲

Sirus.madadi@yahoo.de

[۱] - [در ایدئولوژی سلطنت طلبی، معنای عینی «میهن پرستی» همانا شاهدوستی و «شاهپرستی» است. چنانکه بنیان و چکیده «خدا-شاه-میهن» نیز «شاه» بود. برخی طرفداران سلطنت، اطلاق نام «شاهپرست» به آنان را اهانت و اتهامی نسبت بخود تلقی می‌کنند. چنین نیست و ما نیز چنین قصدی نداریم. عنوان شاهپرستی در دوره پهلوی ها رسماً رایج بود و در سرود شاهنشاهی نیز آمده است:

«...بودیم و هستیم پیرو حق

جز حق نخواهیم از جهان

به شه پرستی مملکت را

از دست دشمن در امان داریم»....

هرچند نیازی به ذکر مثال نیست، ولی اشاره به گزارشی از کودتای ۲۸ مرداد در شماره ۲۹ مرداد ۱۳۳۲ در روزنامه «داد» عمیدی نوری (طرفدار شاه) خالی از لطف نیست:

«...بدین ترتیب متظاهرين که در سرای بوذرجمهری مورد استقبال قابل توجهی از طرف دسته شعبان جعفری قرار گرفته بودند، همگی باهم می‌گفتند:

«بقوه شاهپرست- توده فراری شده»

[۲] - [تاریخچه پیدایش نماد شیر و خورشید و تاریخچه پرچم در ایران، مانند بسیاری از موضوعات تاریخ ایران کنونی، نیازمند بازبینی و روشننگری اساسی است. تا ربع اول سده اخیر اساساً اطلاعات اولیه از تاریخچه نماد شیر و خورشید وجود نداشت و موضوع تاریخچه پرچم و شیر و خورشید در ایران عرصه ای دست نخورده بود. در دوره بعد از مشروطیت چند اثر مکتوب پیرامون این موضوع نوشته شد که علیرغم روشنگرایی، به اتفاق نظر روشن نینجامید. در دوران پس از سقوط سلطنت پهلوی ها، آثاری که - چه بصورت کتاب و مقاله و چه در شکل گفتگوهای ویدئویی درباره این موضوع، بویژه در خارج از کشور منتشر شد، نه تنها به شناختی روشن از پرچم و شیر و خورشید کمکی نکرد، بلکه به ناروشنی های آن افزود. بخش اصلی این اغتشاش نتیجه تاثیر ناسیونالیسم افراطی و «آریایی گرایی» است که مانند دیگر انواع ناسیونالیسم افراطی می‌کوشد که تاریخ را به سود «ملت» و «نژاد» خود، و بهره‌برداری سیاسی از آنها، تحریف کند. زدودن زهر این نژادستایی و ناسیونالیسم افراطی از تاریخنگاری ایران، یکی از الزامات بسیار جدی ترقی و ترقیخواهی است .

[۳] - [فردوسی در توصیف یک صحنه نبرد میان ایران و توران [رستم و سهراب]، در سپاه ایران ۱۵ پرچم و نشان با رنگ و شکل و نقش های متفاوت بر شمرده است .



[۴] - احمد کسروی در بخش اول «تاریخچه شیر و خورشید» به اختصار به گستردگی نام «شیر» (آرسلان، اسد، شیر، لئون و ...) در بسیاری کشورها پرداخته است. ر. ک. کسروی تبریزی: «تاریخچه شیر و خورشید» تهران- ۱۳۰۹ خورشیدی

[۵] - [اشاره ما به این است که در نوشته ها و گفتارهای این نیرو، هر جا از «ایرانی» و «زبان ایرانی» سخن می رود منظور «فارسی» ها و فارسی است. و دیگر ایرانیان، «ایرانی» حساب نمی شوند. ناصر انقطاع - که کتابی درباره تاریخ پرچم ایران نوشته است- در یک مصاحبه تلویزیونی پیرامون شیروخورشید گفته است که پهلوئی ها اولین سلسله پادشاهی «ایرانی» اند که پس از دوران صفویان در ایران به سلطنت رسیده اند. از نگاه او صفویان و افشاریه و قاجارها هیچکدام ایرانی به حساب نمی آیند. البته روشن نیست که چگونه می توان از یکسو از هشتصد و یا هزار سال حاکمیت «غیر ایرانیان» در ایران سخن گفت و از سوی دیگر نشانهای شیر و خورشید و شمشیر آنها را به حساب «ایرانیان» نوشت و مختص ایرانیان دانست. این خود موضوع جداگانه ایست و این شیوه تاریخنگاری، خود «یکی داستان است پر آب چشم.»

برای این گفته ناصر انقطاع و دیگر افسانه پردازیهای او نگاه کنید به دقیقه هشتم از بخش دوم مصاحبه ایشان با «تلویزیون اندیشه» درباره «شیر و خورشید.»

[۶] - [نشان «شورای ملی مقاومت» تا مرداد سال ۷۲ پرچم سبز، سفید، سرخ ایران بود، در این تاریخ گفته شد که شورا، این پرچم یادگار انقلاب مشروطیت را بعنوان نشانه حاکمیت ملی با خود حمل و از آن نگهبانی کرده و از این به بعد آنرا با علامت شیروخورشید مزین خواهد شد. دو دلیل برای افزودن شیر و خورشید بر پرچم ذکر شد این بود: «خورشید سوار بر شیر از دوران باستان مظهر نگاهبانی ایران زمین بوده و در طول تاریخ به عنوان آرم ایرانیان به کار رفته است ... [و] در انقلاب مشروطیت نیز این علامت به عنوان حافظ آزادی و استقلال ایران بر سر در مجلس شورای ملی نصب شده است.» گفتیم که خورشید شیر سوار از دوران باستان مظهر نگاهبانی ایران زمین نبوده و پیوستن شیر با خورشید و پیدایش «خورشید سوار بر شیر» بعنوان «آرم» شاهان، نه متعلق به دوران باستان، بلکه موضوع چند قرن اخیر است. شیر و خورشید سر در بهارستان نیز نشان دولت بد. بنابراین شورای ملی مقاومت، زمانی که پرچم سه رنگ را یادگار انقلاب مشروطیت و خونهای شهیدان آزادی می نامد، کاملاً محق است، ولی استدلال آن درباره شیر و خورشید، درست نیست. روشن است که علت افزودن این نشان به پرچم شورای ملی مقاومت، مصلحت سیاسی این تشکیلات بود. نامگذاری محل نشست به «تالار بهارستان» و خواندن سرود «ای ایران ای مرز پر گهر»، اشاره به تخت جمشید و استوانه کوروش و ... گویای سمت و سوی این مصلحت است. سلطنت طلبان تا کنون این «گناه»، یعنی حمل پرچم شیر و خورشید- را بر سازمان مجاهدین خلق غیر سلطنت طلب نبخشیده اند.

مصوبه شورای ملی مقاومت در لینک زیر:

تصویب شیرو خورشید بعنوان آرم رسمی شورا

و ویدئوی کوتاهی درباره گزینش نشان:

[۷] - [یحیی ذکا: تاریخچه تغییرات و تحولات درفش شیر و خورشید ایران از آغاز قرن هیجدهم هجری قمری تا امروز. مجله هنر و مردم شماره ۲۸ صص ۲۳-۲۵]

[۸] - [غلامحسین خان افضل الملک- کراسه المعی. جلد چهارم. دستوشته. سال ۱۳۱۲ هجری قمری. من دسترسی به این اثر نداشته ام و دانسته هایم را از منابع دیگر، بویژه از:

- مهربان بیری دیزج: «انواع بیرق و کارکردهای آن در نتایج یک پژوهش عصر ناصری» در «بهارستان» شماره ۵ پاییز ۱۳۸۸
 - منیژه صدری: «کراسه المعی». منتشره در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. شماره ۱۵۲ دی ۱۳۸۹
- و غیره گرفته ام.

[۹] - [از ۱۱ پرچم «کراسه المعی» یکی «علم کاویان» بود که در صندوقچه ای نگهداری می شد، پنج پرچم ویژه نظامیان، یکی پرچم قاپوق برای میدان اعدام و دیگری بیرق ک عزا. دو پرچم مخصوص ابنیه و عمارات سلطنتی و ...]

[۱۰] - [عباس امانت: «قبله عالم- ناصرالدین شاه و پادشاهی ایران» ترجمه حسن کامشاد. تهران. نشر کارنامه ۱۳۸۲- ص ۵۶۶]

[۱۳] - کسروی در ص ۲۷ «تاریخچه شیر و خورشید»، سال ۱۲۸۰ شمسی را سال تقریبی «نشان رسمی دولت» شدن شیر و خورشید می گوید. ولی چنانکه دیدیم، تاریخ «نظامنامه نشان دولت علیه» در دوره محمد شاه، تقریباً ۱۲۱۶ شمسی است. یعنی از ۶۰ سال پیشتر از آنچه کسروی می گوید، «نشان رسمی دولت» شیر و

در عظیم خلوت من ! در عظیم خلوت من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



از نگاه دیگران m.ilbeigal@yahoo.fr xalvat.info

خورشید بود. کسروی در کتابش به نظامنامه دوره محمدشاه اشاره ای نکرده است. آیا او هنگام نوشتن این نوشته، ازین سند بی خبر بود؟

[۱۲] - [کسروی «تاریخ مشروطه ایران» تهران، امیر کبیر، چاپ هجدهم، ۱۲۷۶- صص ۲۹۸ و ۳۱۰
• مجله «دانشمند» شماره ۲۲، مرداد ۱۳۴۴، احمد علوی. - به نقل از «دو مبارز جنبش مشروطه» رئیس نیا و ناهید، تهران، آگاه، ۲۵۲۵-ص ۵۰ و نیز در همین کتاب ص ۵۱ به نقل از یکی از مجاهدین
• پرچم سرخ در دست انقلابیون آذربایجان را جای دیگر هم نوشته اند. از جمله در: خسرو شاکری. «پیشینه های اقتصادی- اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی». تهران، اختران، ص ۲۴۳. استناد شاکری به اسناد وزارت خارجه روسیه و گزارشات شاهدین است. ص ۴۱۱
[۱۳] - [کسروی تاریخ مشروطه ایران، چاپ امیر کبیر- تهران ص ۴۱۵
«کتیبه» در زبان مردم تبریز به هر آن چیزی گفته می‌شد که بر روی چوب یا حلبی و پارچه و ... نوشته و به جایی - مثلا روی دیوار بچسبانند. به نوشته سر در فروشگاهها و ... نیز کتیبه می‌گفتند.

[۱۴] - [علیرضا شاپور شهبازی، انسیکلوپدی ایرانیکا، ذیل پرچم https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%D8%B1%DA%86%D9%85_%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86#CITEREFShapur_Shahbazi1999
- [15] نصرت الله بختورتاش. تاریخ پرچم ایران. ص ۴۱۹
همین مضمون را حمید نیر نوری در ص ۱۴۷ «تاریخچه بیرق ایران و شیر و خورشید»- چاپ تهران، نشر موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی- آبان ۱۳۴۴ نیز تکرار کرده است.

[۱۶] - [حمید نیر نوری «تاریخچه بیرق ایران و شیر و خورشید»، تهران ۱۳۴۴، از انتشارات موسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی، ص ۱۴۶
] - <http://malekmuseum.org/artifact/1287.10.30002/%D9%86%D9%82%D8%B4+%D8%B3%D9%87+%D8%B1%D9%86%DA%AF+%D9%BE%D8%B1%DA%86%D9%85+%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%AA%D9%85%D8%A8%D8%B1++%D8%AF%DB%8C%D9%86%D8%A7%D8%B1%DB%8C+%28+%D8%B4%D8%A7%D9%87%DB%8C%29+%D8%B3%D8%B1%DB%8C+%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D8%B1%D8%AE%D8%A7%D9%86>
تاریخ دقیق چاپ و استفاده از این تمبر را باید جستجو کرد. در توضیحات موزه ملک، «تاریخ خلق» آنرا ۱۲۸۷ نوشته اند ولی در بعضی نوشته ها گفته می‌شود که متعلق به دوران قیام شیخ محمد خیابانی اند و یا در آن زمان استفاده شده اند. وجود آنها قطعی است ولی نگارنده این سطور تاریخ دقیق چاپ و استفاده از آنها را نیافت.

[۱۸] - [نیر نوری همان ۱۴۴
[۱۹] [مجلس دوم خود در تلگرافی به تبریز آنرا قانون مجلس شورای ملی نوشته. کسروی. تاریخ مشروطه ایران. ۳۰۲
[۲۰] - [علائم بیرقهای دولت علیه ایران» در کنار اسناد دیگر در «سالنامه وزارت امور خارجه - سال ۱۳۳۲ ه. ق» چاپ شده است. ولی آنرا در کتابخانه های مجلس، وزارت خارجه و دانشگاه تهران نیافتیم. مدتی صرف یافتن اثری از آن شد، سرنخی در ایران یافتیم و سرانجام نسخه اسکن شده آن به همت رفیقی فاضل در ایران به دست آمد. سپاسگزار آن رفیق هستم.

[۲۱] - [سبب امضای عضدالملک آنست که پس از خلع محمدعلی شاه از سلطنت و اخراج او از کشور، مشروطه خواهان پسر خردسال او- احمد- را به نام «احمد شاه قاجار» به شاهی پذیرفتند و تا رسیدن شاه خردسال به سن قانونی، علیرضا عضدالملک قاجار- بزرگ خاندان قاجار- را به نایب السلطنگی، بنابراین سند بامضای هیئت وزرا و نماینده شاه است.

[۲۲] - [سعید نفیسی در کتاب خود «درفش ایران و شیر و خورشید»، به سالنامه مورد نظر استناد و بخشی از مندرجات آن، یعنی نظامنامه دوره محمد شاه درباره نشان شیر و خورشید را نقل کرده، ولی به مصوبه «علائم بیرق های دولت علیه ایران» هیچ اشاره ای نکرده است.
- ناصر انقطاع نیز بخشهایی از نظامنامه دوره محمد شاه را از «سالنامه وزارت امور خارجه» نقل کرده، بی هیچ اشاره ای به «علائم بیرق ها». او مصوبه دولت منوچهر اقبال در سال ۱۳۳۶ را نخستین اقدام برای رفع نادقیقی های اصل ۵ متمم قانون اساسی [در موضوع ترتیب رنگها و اندازه پرچم] معرفی می‌کند. حال آنکه نخستین اقدام به رفع نادقیقی های اصل پنج متمم قانون اساسی، همین «علائم بیرق های دولت علیه ایران» است.

- یکی دیگر از این سلسله، سرهنگ ستاد [ارتش شاهنشاهی] نصرت الله بختورتاش است که کتاب او «پرچم و پیکره شیر و خورشید» نخست در سال ۱۳۴۵ و سپس با ویرایشی جدید و اضافات با نام «تاریخ پرچم ایران از دوران

در عظیم خلوت من ! در عظیم خلوت من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



از نگاه دیگران m.ilbeigal@yahoo.fr xalvat.info

باستان تا امروز» در سال ۱۳۸۲ [با نام دکتر نصرت الله بختورتاش] در تهران منتشر شده است. بختورتاش نیز مانند دیگر مولفین ناسیونالیست باستانگرا، موضوع «بیرق ملی» در «علائم بیرقهای دولت علیه ایران» را ناگفته گذاشته است.

...۹

[۲۳] - [علی آذری، «قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز»- چاپ چهارم، انتشارات صفیعلیشاه، تهران ۱۳۵۴ صص ۲۴۱، ۲۴۵، ۳۳۶ و...]

[۲۴] - [پرچم «منگوله- مو» است و نه کاملاً منطبق با مفهوم «بیرق» ترکی، درفش فارسی و «علم» و «رایت» عربی. [در دوره پهلوی همه بیرق ها به پرچم تغییر نام یافت به جز بیرق شاهنشاهی. آنرا درفش شاهنشاهی گفتند. در دوره آخرین شاه ایران، به «درفش شاهنشاهی»، «درفش» علیاحضرت ملکه و «درفش» والاحضرت ولیعهد نیز افزوده شد. [درباره پرچم رک:

-فرهنگ معین ذیل پرچم. ج ۲ ص ۷۲۵

-گرهارد دورفر در:

Gerhard Dörfer: Türkische und mongolische Elemente im Neupersischen. Band II . s.425 – Wiesbaden 1965

-دایره المعارف اسلامی ذیل پرچم

<https://web.archive.org/web/20200401202710/https://rch.ac.ir/article/Details/13060>

[۲۵] - [امریه رضاشاه در:

<https://qavanin.ir/Law/TreeText/190659>

<https://web.archive.org/web/20160304214133/http://law.dotic.ir/AIPLaw/lawview.do?reqCode=lawView&lawId=190659&isLaw=0>

<http://law.dotic.ir/AIPLaw/imageandtextview.do?reqCode=imageAndTextView&lawId=190659&isLaw=0>.

[۲۶] - [یکی از مبلغین پرچم شیر و خورشید اخیراً مدعی شده است که بر بالای «نامه پیشه وری به استالین»، علامت شیر و خورشید بود. این شیوه رفتار با تاریخ دوره ماست و از آن میتوان دریافت که گفته های این طیف درباره تاریخ هزاران سال پیش تا چه میزان قابل اعتماد است. مشابه این تحریف تاریخ را «ترک پرستان» با نهادن هلالی بر بالای پرچم سه رنگ و معرفی آن به عنوان پرچم حکومت ملی آذربایجان، کرده اند.

[۲۷] - [عمیدی نوری، روزنامه «داد»، از جمله در شماره های ۱۴ خرداد، ۱۵ خرداد، و ۹ مرداد ۱۳۲۵

[۲۸] - [تصویر مربوط به زنده یاد قاضی محمد را از دوست و رفیق فاضل آقای حسن قاضی گرفتم. زنده باشد.

[۲۹] - [حمید نیر نوری ص ۱۵۰

[۳۰] [سرهنگ ستاد نصرت الله بختورتاش: «پرچم و بیکره شیروخورشید» تهران- عطایی- ۱۳۴۴- ص ۲۶۷ تا ۲۷۵

[۳۱] - [دکتر نصرت الله بختورتاش-«تاریخ پرچم ایران از باستان تا امروز» تهران ۱۳۸۳ ص ۴۳۲

[۳۲] [ناصر انقطاع ص ۹۵

[۳۳] [مصوبه دولت در سال ۱۳۳۶ شمسی که بطور کامل در کتابهای نیر نوری، یحیی ذکا ، بختورتاش و ناصر انقطاع نقل شده است. نگارنده کوشید از روزنامه های آندوران نقل کند و متأسفانه در دسترس نبود. از نیر نوری نقل شد. این مقرر در آرشیوهای ایران وجود دارد:

[۳۴] - [نصرت الله بختورتاش « تاریخچه پرچم ایران ...» ص ۴۴۱

[۳۵] - [یحیی ذکا «تاریخچه تغییرات و تحولات درفش ایران از آغاز سده سیزدهم هجری تا امروز» ماهنامه هنر و مردم شماره ۳۶ سال ۱۳۴۴